

CEO Cognitive Biases and Accounting Estimates

Esmaeil Amiri*

Assistant Professor of Accounting, Department of Accounting, Faculty of Literature and Humanities, University of Jiroft, Jiroft, Iran. (Corresponding Author)

Esmaeilamiri@ujiroft.ac.ir

Jamil Ebrahimi

Assistant Professor of Accounting, Department of Accounting, Faculty of Social Sciences, Economics, Razi University, Kermanshah, Iran.

j.ebrahimi@razi.ac.ir

Abstract

CEO cognitive biases can shape perceptual frameworks and information interpretation patterns, influencing professional judgments and, through their impact on accounting estimates, generating structural consequences for financial reporting transparency and capital market reactions. This study examines the effect of CEO cognitive biases, specifically optimism and myopia, on accounting estimates, focusing on companies listed on the Tehran Stock Exchange from 2013 to 2023. The findings indicate that CEO optimism intensifies bias in accounting estimates, leading to overstatements of future performance and profitability. CEO myopia further reinforces these biased estimates. Additionally, power concentration arising from dual roles can amplify the influence of these cognitive biases on the estimation process. Sensitivity analyses confirm the robustness and stability of the results, demonstrating how cognitive biases systematically shape financial reporting patterns. This research provides a behavioral explanation of accounting estimates and highlights the need to design and strengthen governance mechanisms to mitigate the effects of CEO cognitive biases.

Keywords: Cognitive biases, optimism, myopia, accounting estimates, CEO duality.

Copyrights



This license only allowing others to download your works and share them with others as long as they credit you, but they can't change them in any way or use them commercial.

تعصبات شناختی مدیر عامل و برآوردهای حسابداری

اسماعیل امیری^{۱*} جمیل ابراهیمی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۷/۰۱

چکیده

تعصبات شناختی مدیرعامل می‌تواند با جهت‌دهی به چارچوب‌های ادراکی و الگوهای تفسیر اطلاعات، قضاوت‌های حرفه‌ای وی را تحت تأثیر قرار داده و از طریق اثرگذاری بر مفروضات برآوردهای حسابداری، پیامدهایی ساختاری برای شفافیت گزار شگری مالی و نحوه واکنش بازار سرمایه ایجاد کند. پژوهش حاضر با تمرکز بر شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۲، به بررسی اثر تعصبات شناختی مدیر عامل شامل خوش‌بینی و کوتاه‌بینی بر برآوردهای حسابداری پرداخته است. یافته‌ها حاکی از آن است که خوش‌بینی مدیرعامل با تشدید سوگیری در برآوردهای حسابداری همراه بوده و به انعکاس بیش‌برآوردی از عملکرد و سودآوری آتی منجر می‌شود. همچنین، کوتاه‌بینی مدیر عامل زمینه تقویت این برآوردهای جانبدارانه را فراهم می‌آورد. افزون بر این، تمرکز قدرت ناشی از دوگانگی وظایف می‌تواند اثرگذاری این سوگیری‌های شناختی را بر فرآیند برآوردهای حسابداری تشدید کند. نتایج آزمون‌های تحلیل حساسیت، استحکام و پایداری یافته‌ها را تأیید کرده و نشان می‌دهد که سوگیری‌های شناختی چگونه می‌توانند الگوهای گزار شگری مالی را به‌طور نظام‌مند تحت تأثیر قرار دهند. این پژوهش با ارائه تبیینی رفتاری از فرآیند برآوردهای حسابداری، بر ضرورت طراحی و تقویت سازوکارهای حاکمیتی به‌منظور مهار آثار سوگیری‌های شناختی مدیرعامل تأکید دارد.

کلیدواژه‌ها: تعصبات شناختی، خوش‌بینی، کوتاه‌بینی، برآوردهای حسابداری، دوگانگی وظایف مدیر عامل

^۱ استادیار، گروه حسابداری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه جیرفت، جیرفت، ایران. (نویسنده مسئول).

Esmailamiri@ujiroft.ac.ir

^۲ استادیار گروه حسابداری، دانشکده علوم اجتماعی، اقتصاد و حسابداری، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

j.ebrahimi@razi.ac.ir

۱- مقدمه

یکی از چالش‌های اساسی در گزارشگری مالی، امکان تأثیرپذیری برآوردهای حسابداری از قضاوت‌های ذهنی مدیران است؛ قضاوت‌هایی که همواره از عقلانیت کامل اقتصادی تبعیت نمی‌کنند. در این میان، تعصبات شناختی مدیرعامل به عنوان خطاهای سیستماتیک در پردازش اطلاعات، می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری تصمیمات استراتژیک و مالی ایفا کنند و زمینه انحراف از تصمیم‌گیری عقلایی را فراهم سازند (موهانتی و همکاران، ۲۰۲۳). این تعصبات که ریشه در عوامل روان‌شناختی و سازمانی دارند، در شرایط عدم قطعیت فزاینده، به‌ویژه در دوران پساکووید، تشدید شده‌اند. افزون بر این، پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهند تعصبات شناختی مدیرعامل صرفاً پدیده‌ای فردی نیست، بلکه تحت تأثیر عوامل سیاسی و فرهنگی نیز شکل می‌گیرد؛ موضوعی که اهمیت بهره‌گیری از مدل‌های رفتاری در تحلیل تصمیمات مدیریتی را دوچندان می‌کند (آبو و همکاران، ۲۰۲۴؛ موزر و همکاران، ۲۰۲۳).

در ادبیات روان‌شناسی شناختی و علوم رفتاری، تعصبات شناختی به عنوان یکی از مفاهیم کلیدی شناخته می‌شوند که می‌توانند بر تصمیم‌گیری‌های مالی و حسابداری اثر قابل توجهی بگذارند (برته و همکاران، ۲۰۲۲؛ آپجارینی و همکاران، ۲۰۲۱؛ شفاعت و همکاران، ۱۴۰۰). این تعصبات به انحرافات ذهنی در فرآیند قضاوت اطلاق می‌شود که ناشی از محدودیت‌های پردازش اطلاعات در ذهن انسان است و می‌تواند موجب ارزیابی‌های نادقیق شود (ژروه و اودین، ۲۰۰۱؛ باربریس و تیلر، ۲۰۰۳؛ اوبادمی و اوگونلوسی، ۲۰۲۱). در حوزه حسابداری، چنین انحرافات می‌تواند به ارائه گزارش‌های مالی غیرواقع‌بینانه یا تصمیمات نادرست بینجامد (باربریس و تیلر، ۲۰۰۳؛ موهانتی و همکاران، ۲۰۲۳). شواهد داخلی نیز نشان می‌دهد این سوگیری‌ها می‌توانند بر قضاوت‌های مدیرعامل اثر گذاشته و به کاهش شفافیت اطلاعات مالی منجر شوند (امیری و همکاران، ۱۳۹۷).

در میان انواع تعصبات شناختی، خوش‌بینی و کوتاه‌بینی از برجسته‌ترین سوگیری‌های رفتاری مدیران ارشد به‌شمار می‌روند. خوش‌بینی مدیریتی به تمایل مدیرعامل در بیش‌برآورد توانمندی‌های شرکت و احتمال موفقیت‌های آتی اشاره دارد (بیولر و همکاران، ۲۰۰۲؛ لاولو و کانمن، ۲۰۰۳). این سوگیری می‌تواند به ارائه برآوردهای غیرواقع‌گرایانه از درآمد، سود و ارزش دارایی‌ها منجر شود و از طریق بیش‌برآورد جریان‌های نقدی آتی یا تأخیر در شناسایی کاهش ارزش دارایی‌ها، کیفیت گزارشگری مالی را تحت تأثیر قرار دهد (پوری و رابینسون، ۲۰۰۷؛ هی‌وارد و همکاران، ۲۰۰۶). مطالعات نشان داده‌اند مدیران خوش‌بین بازده پروژه‌ها را بیش‌ازحد برآورد کرده و زیان‌ها را کمتر منعکس می‌کنند، که این امر می‌تواند به سوگیری مثبت در برآوردهای حسابداری بینجامد (بورکهارد و همکاران، ۲۰۲۳؛ بارون، ۲۰۰۴؛ فینکلستین و

همبریک، ۲۰۲۲؛ برته و همکاران، ۱۹۹۶). افزون بر این، پنهان سازی اطلاعات منفی می تواند عدم تقارن اطلاعاتی را افزایش دهد (آگاروال و گورت، ۲۰۰۲؛ سیمون، ۱۹۹۳).

در مقابل، کوته بینی مدیریتی به تمرکز افراطی بر نتایج کوتاه مدت و غفلت از پیامدهای بلندمدت تصمیمات اشاره دارد (مورمن و اسلو تگراف، ۱۹۹۹). پژوهش ها نشان می دهد این سوگیری ممکن است مدیران را به اتخاذ تصمیماتی سوق دهد که در کوتاه مدت عملکرد مالی را بهبود می بخشد اما پایداری بلندمدت شرکت را تضعیف می کند (مالمندیر و تیت، ۲۰۰۵؛ شراند و زچمن، ۲۰۱۲). کاهش هزینه های تحقیق و توسعه یا بازاریابی برای تقویت سود جاری، نمونه ای از این رفتار است که می تواند در تنظیم برآوردهای حسابداری انعکاس یابد (بیکر و وورگلر، ۲۰۰۷؛ لی و چن، ۲۰۰۸). همچنین، بی توجهی به اطلاعات جدید و عدم بازنگری در برآوردها می تواند فاصله میان عملکرد واقعی و پیش بینی شده را افزایش دهد و به کاهش اعتماد سرمایه گذاران منجر شود (کوهن و دی، ۲۰۰۵؛ مالمندیر و تیت، ۲۰۰۸؛ فنتون-اوکریوی و همکاران، ۲۰۱۱؛ کانمن و تورسکی، ۱۹۷۹).

با وجود گسترش ادبیات بین المللی درباره تعصبات شناختی مدیرعامل، تأثیر خوش بینی و کوته بینی مدیرعامل بر برآوردهای حسابداری در ایران تاکنون به صورت تجربی بررسی نشده است. مطالعات پیشین داخلی عمدتاً بر تأثیر ویژگی های شخصیتی و رفتاری مدیرعامل بر ریسک سقوط قیمت سهام (نصیرزاده و همکاران، ۱۳۹۶)، شفافیت سازی اطلاعات مالی (امیری و همکاران، ۱۳۹۷)، هموار سازی سود (فلاح حمیدی و همکاران، ۱۳۹۹، عامری و عرب یارمحمدی، ۱۴۰۲) و کیفیت گزارشگری مالی (مهرفر و همکاران، ۱۴۰۲) متمرکز بوده اند و در ادبیات خارجی، بخش قابل توجهی از مطالعات نقش عوامل روانشناختی مدیران بر پیامدهایی نظیر تصمیم گیری های مالی (برایت و همکاران، ۲۰۲۴، هایزر و رتینگ، ۲۰۲۰، آرتور و همکاران، ۲۰۱۸)، تأمین مالی (گویژانی، ۲۰۲۴)، کیفیت کلی گزارشگری مالی (گائو و همکاران، ۲۰۲۳، سان و ژائو، ۲۰۲۴) متمرکز بوده اند. در نتیجه، رابطه میان برخی تعصبات شناختی مدیرعامل و برآوردهای حسابداری، به عنوان یکی از حوزه های مبتنی بر قضاوت و عدم قطعیت، همچنان نیازمند شواهد تجربی بیشتری است. این خلأ از این جهت اهمیت دارد که برآوردهای حسابداری، برخلاف بسیاری از اقلام مبتنی بر معاملات قطعی، مستلزم اعمال قضاوت حرفه ای مدیریت درباره متغیرهای نامطمئن و آینده نگر هستند (لیو و همکاران، ۲۰۱۰) و بنابراین می توانند محل بروز سوگیری های شناختی قرار گیرند. براین اساس، پژوهش حاضر با تمرکز بر دو بُعد مشخص تعصبات شناختی مدیرعامل در صدد است این خلأ را در دو سطح تکمیل کند. نخست، در سطح موضوعی، پژوهش از بررسی کلی «ویژگی های مدیریتی» یا

«سوگیری‌های رفتاری» فراتر رفته و آثار دو نوع مشخص از تعصبات شناختی را بر یک پیامد حسابداری عینی و قابل سنجش آزمون می‌کند. دوم، در سطح زمینه پژوهش، این رابطه را در بستر نهادی و محیط گزارشگری مالی ایران بررسی می‌کند؛ بستری که از نظر ویژگی‌های حاکمیت شرکتی، ساختار مالکیت، الزامات گزارشگری و سازوکارهای نظارتی با محیط‌های مورد مطالعه در بسیاری از پژوهش‌های خارجی تفاوت دارد. بنابراین، یافته‌های این پژوهش می‌تواند مشخص کند که آیا شواهد مربوط به نقش عوامل شناختی مدیران در گزارش شگری مالی در یک محیط نهادی متفاوت نیز قابل مشاهده است یا خیر. وجه نوآورانه دیگر پژوهش، پیوند دادن ادبیات روان‌شناسی شناختی با ادبیات برآوردهای حسابداری است. در این چارچوب، برآورد حسابداری صرفاً به‌عنوان یک خروجی فنی از فرآیند حسابداری در نظر گرفته نمی‌شود، بلکه به‌عنوان نتیجه‌ای از فرآیند تصمیم‌گیری و قضاوت مدیریتی تحلیل می‌شود. بر این اساس، پژوهش حاضر می‌کوشد برآوردهای حسابداری را از منظر ویژگی‌های شناختی مدیرعامل تبیین کند.

در نتیجه، سهم اصلی این پژوهش در ادبیات را می‌توان در چند سطح بیان کرد (۱) توسعه ادبیات داخلی و خارجی در حوزه‌ای از ویژگی‌های روان‌شناختی مدیرعامل بر گزارش شگری مالی که مستقیماً به قضاوت و عدم قطعیت وابسته است؛ و (۲) ارائه شواهدی از نقش عوامل شناختی مدیرعامل در محیط نهادی ایران و پیوند آن با جهت‌گیری برآوردهای حسابداری. (۳) از منظر کاربردی نیز نتایج پژوهش می‌تواند مفهوم ریسک رفتاری در فرآیند برآوردهای حسابداری را برجسته سازد. در صورت تأیید تجربی روابط مورد انتظار، ویژگی‌های شناختی مدیرعامل می‌تواند در کنار عوامل اقتصادی، قراردادی و حاکمیتی، به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر بر ارزیابی ریسک تحریف یا سوگیری در اقلام برآوردی مورد توجه حساب‌رسان، کمیته‌های حساب‌رسی و سایر ارکان نظارتی قرار گیرد. همچنین، یافته‌های پژوهش می‌تواند مبنایی برای تقویت کنترل‌های داخلی، افزایش دقت فرآیندهای نظارتی و توجه بیشتر به منشأ رفتاری قضاوت‌های مدیریتی در فرآیند گزارشگری مالی فراهم آورد.

برای دستیابی به این اهداف، ساختار پژوهش به این شرح است: در بخش اول، مبانی نظری و پیشینه پژوهش بررسی شده؛ بخش دوم به روش‌شناسی اختصاص دارد؛ بخش سوم نتایج تحلیل داده‌ها را ارائه می‌دهد؛ بخش چهارم به آزمون‌های تحلیل حساسیت می‌پردازد و در نهایت، بخش پنجم شامل جمع‌بندی و پیشنهادها است.

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

ادبیات اقتصاد رفتاری و مدیریت استراتژیک نشان می‌دهد تصمیم‌گیری مدیرعامل نه تنها بر پایه عقلانیت کامل اقتصادی، بلکه تحت تأثیر تعصبات شناختی شکل می‌گیرد؛ تعصباتی که ناشی از استفاده از میان‌برهای ذهنی و هیوریستیک‌ها بوده و می‌توانند به خطاهای سیستماتیک در قضاوت منجر شوند (پوروشوتامان و آگواس، ۲۰۲۵؛ راو و برومیلی، ۲۰۲۵). در میان این تعصبات، خوش‌بینی و کوتاه‌بینی از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند، اما پیامدهای آنها را نمی‌توان صرفاً به افزایش یا کاهش عملکرد شرکت محدود کرد. خوش‌بینی می‌تواند موجب ارزیابی بیش از حد مطلوب عملکرد و بازده سرمایه‌گذاری و کم‌برآوردی ریسک شود (براجا و براون، ۲۰۱۲؛ هریبار و یانگ، ۲۰۱۶)، در حالی که کوتاه‌بینی با افزایش تمرکز مدیر بر نتایج کوتاه‌مدت، می‌تواند تصمیم‌گیری درباره سرمایه‌گذاری، افشا و گزارشگری را تحت تأثیر قرار دهد (وانگ، ۲۰۲۴؛ هی و تیان، ۲۰۱۳). با این حال، شواهد موجود نشان می‌دهد پیامدهای کوتاه‌بینی الزاماً یکسان و همواره منفی نیست (وانگ، ۲۰۲۴). همچنین، مطالعات حسابداری نشان داده‌اند که افشای مالی و اختیار مدیریت در گزارشگری می‌توانند رابطه میان کوتاه‌بینی و تصمیم‌های اقتصادی مدیر را تغییر دهند (هی و تیان، ۲۰۱۳؛ جیانگ و شین، ۲۰۲۲).

مرور مطالعات پیشین نشان می‌دهد که بخش عمده پژوهش‌ها پیامدهای خوش‌بینی یا کوتاه‌بینی را در حوزه‌هایی مانند سرمایه‌گذاری (آغامولّا و هاشیموتو، ۲۰۲۳، لی و همکاران، ۲۰۲۳)، عملکرد (آریا و همکاران، ۲۰۲۴، دشموک و گوئل، ۲۰۲۵)، تصمیمات ساختار سرمایه (ژو و همکاران، ۲۰۲۵) و مدیریت سود (گارسایاسما و همکاران، ۲۰۲۳) بررسی کرده‌اند، در حالی که برآوردهای حسابداری به دلیل وابستگی به مفروضات، قضاوت و عدم قطعیت، یکی از مهم‌ترین حوزه‌هایی هستند که می‌توانند تحت تأثیر ویژگی‌های شناختی مدیرعامل قرار گیرند. افزون بر این، حتی در ادبیات مدیریت سود نیز شواهد کاملاً یکسان نیستند؛ برای نمونه، برخی مطالعات کوتاه‌بینی را با رفتارهای کوتاه‌مدت و مدیریت سود مرتبط می‌دانند (گارسایاسما و همکاران، ۲۰۲۳)، در حالی که برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهند رابطه میان کوتاه‌بینی و پیامدهای گزارشگری به شرایط اطلاعاتی و انگیزشی مدیر وابسته است (هی و تیان، ۲۰۱۳؛ کال و همکاران، ۲۰۱۴؛ جیانگ و شین، ۲۰۲۲). این تفاوت در نتایج نشان می‌دهد که بررسی صرف پیامدهای کلی تعصبات شناختی برای توضیح رفتارهای مبتنی بر برآورد کافی نیست و لازم است سازوکار انعکاس این تعصبات در تصمیم‌های حسابداری مبتنی بر قضاوت بررسی شود. عبارتی دیگر، اگرچه ادبیات موجود ارتباط تعصبات شناختی مدیران با تصمیم‌های اقتصادی و گزارشگری را تأیید می‌کند، هنوز درباره نحوه انعکاس این تعصبات در برآوردهای حسابداری شواهد محدودی وجود دارد.

از منظر نظری، نظریه سطوح بالای سازمانی (همبریک و میسون، ۱۹۸۴) مبنایی برای توضیح این ارتباط فراهم می‌کند؛ زیرا بر اساس این نظریه، ویژگی‌های شناختی، ارزش‌ها و سوگیری‌های مدیران ارشد به‌عنوان فیلترهای ادراکی عمل کرده و بر نحوه تفسیر اطلاعات و تصمیم‌گیری سازمانی اثر می‌گذارند. بر این اساس، خوش‌بینی مدیرعامل می‌تواند موجب تفسیر مطلوب‌تر اطلاعات نامطمئن و شکل‌گیری انتظارات بیش از حد مثبت درباره درآمدها، دارایی‌ها و جریان‌های نقدی شود؛ در مقابل، کوه‌بینی می‌تواند مدیر را به تمرکز بیشتر بر اهداف و نتایج کوتاه‌مدت سوق دهد. از این رو، هنگامی که بخشی از ارقام حسابداری به قضاوت و مفروضات مدیریت وابسته است، این ویژگی‌های شناختی می‌توانند در نحوه تعیین و تعدیل برآوردهای حسابداری منعکس شوند. در کنار آن، نظریه نمایندگی (جنسن و مک‌لینگ، ۱۹۷۶) توضیح می‌دهد که تضاد منافع میان مدیران و مالکان و فشار ناشی از ارزیابی عملکرد می‌تواند شرایطی ایجاد کند که در آن سوگیری‌های شناختی مدیرعامل با انگیزه‌های اقتصادی وی ترکیب شده و بر تصمیم‌های گزارشگری اثر بگذارد. با این حال، نظریه نمایندگی به‌تنهایی نمی‌تواند توضیح دهد که چرا مدیران در شرایط مشابه، واکنش‌های متفاوتی نسبت به اطلاعات و عدم قطعیت نشان می‌دهند؛ از این رو، ترکیب دیدگاه رفتاری با نظریه‌های حاکم بر تصمیم‌گیری مدیریتی می‌تواند توضیح کامل‌تری از این پدیده ارائه کند.

پیشینه پژوهش‌های خارجی

زینگ و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهشی تأثیر خوش‌بینی و بدبینی مدیرعامل بر نگهداشت وجه نقد مطالعه کردند. نتایج پژوهش آنها نشان داد شرکت‌هایی با مدیرعامل خوش‌بین و مدیر مالی بدبین نقدینگی کمتری نگهداری می‌کنند. علاوه بر این، این اثر ترکیبی منفی در مناطق با فرهنگ قمار قوی و در شرکت‌های غیر دولتی برجسته‌تر است.

آغامولّا و هاشیموتو (۲۰۲۳) در پژوهشی اثر کوتاه‌مدت‌نگری مدیران بر سرمایه‌گذاری بررسی کردند یافته‌های پژوهش آنها نشان داد مدیرانی که تحت فشار نتایج کوتاه‌مدت هستند، سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت را کاهش می‌دهند و این رفتار می‌تواند کارایی سرمایه‌گذاری را پایین آورد.

لی و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهشی اثر خوش‌بینی مدیرعامل بر کارایی سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت را مورد آزمون قرار دادند یافته‌های پژوهش آنها نشان داد که خوش‌بینی مدیران باعث سرمایه‌گذاری بیش از حد در موجودی و در نتیجه کاهش کارایی سرمایه‌گذاری و افزایش کاهش ارزش موجودی می‌گردد. همچنین این خوش‌بینی با افزایش احتمال گزارشگری نادرست مالی همراه است و با نظریه «استدلال انگیزشی» در روان‌شناسی همسو است.

آریا و همکاران (۲۰۲۴) در پژوهشی اثر تمرکز کوتاه‌مدت مدیران بر عملکرد بلندمدت شرکت‌ها را مطالعه کردند. یافته‌های پژوهش آنها نشان داد که تمرکز کوتاه‌مدت مدیران می‌تواند موجب کاهش کارایی سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت و کاهش ارزش بالقوه شرکت گردد.

دشموک و گوئل (۲۰۲۵) در پژوهشی بررسی کردند که مدیران عامل خوش‌بین در چه شرایطی می‌توانند ارزش شرکت را افزایش دهند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که خوش‌بینی مدیرعامل به طور میانگین حدود ۱۷ درصد موجب افزایش ارزش شرکت می‌شود. این اثر در شرکت‌های ریسک‌پذیر، نوآور، دارای منابع داخلی بیشتر و فعال در صنایع رقابتی قوی‌تر است. تحلیل‌های درون‌زایی نیز تأیید می‌کنند که این رابطه ماهیت علی دارد.

ژو و همکاران (۲۰۲۵) در مطالعه‌ای اثر کوتاه‌بینی مدیر بر تصمیمات ساختار سرمایه را بررسی کردند. نتایج نشان می‌دهد که کوتاه‌بینی مدیریتی بر ساختار سرمایه شرکت‌ها تأثیر دارد، به‌طوری‌که در شرکت‌های با هزینه‌دهی پایین برجسته‌تر است. حاکمیت شرکتی کارآمد و شرایط متغیر بازار این اثر را تعدیل می‌کنند. یافته‌ها پیامدهایی برای بحران بدهی و نکول دارند و بر دقت برآوردهای حسابداری شرکت‌ها نیز اثرگذارند.

پیشینه پژوهش‌های داخلی

رضازاده و همکاران (۱۳۹۹) به بررسی تأثیر خوش‌بینی و بدبینی مدیران بر مدیریت سود پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که خوش‌بینی بیش‌ازحد مدیران منجر به ارائه پیش‌بینی‌های خوش‌بینانه‌تر می‌شود و از آنجا که این پیش‌بینی‌ها مبنای تصمیم‌گیری ذی‌نفعان هستند، مدیران بیش‌ازحد خوش‌بین انگیزه بیشتری برای اعمال مدیریت سود دارند.

نیک‌کار و همکاران (۱۴۰۱) تأثیر رفتار خوش‌بینانه و کوتاه‌بینانه مدیران بر عدم تقارن رفتار هزینه و استراتژی‌های شرکت را بررسی کردند. نتایج نشان داد رفتار خوش‌بینانه مدیران موجب افزایش شدت رفتار نامتقارن هزینه‌ها و تأثیرگذار بر استراتژی‌های رقابتی و سرمایه‌گذاری شرکت است، در حالی که رفتار کوتاه‌بینانه مدیران تأثیر معناداری در این زمینه ندارد.

میرزادزراع و همکاران (۱۴۰۳) در پژوهشی به بررسی تأثیر تورش‌های رفتاری بیش‌اعتمادی، کوتاه‌نگری و خوش‌بینی بر اجتناب مالیاتی پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد که تورش‌های رفتاری بیش‌اعتمادی و کوتاه‌نگری مدیریت رابطه‌ای مستقیم و معنادار با متغیر وابسته، یعنی اجتناب مالیاتی، دارند؛ در حالی که تورش خوش‌بینی اثری معکوس بر این متغیر بر جای می‌گذارد.

حسینی و همکاران (۱۴۰۳) در پژوهشی به بررسی تأثیر کوتاه‌بینی و بیش‌اعتمادی مدیران بر سرعت دستیابی به سرمایه در گردش بهینه پرداختند. نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان داد که کوتاه‌بینی مدیران موجب افزایش سرعت تعدیل سرمایه در گردش می‌شود، در حالی که

بیش اعتمادی آنان این سرعت را کاهش می‌دهد. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که سوگیری‌های رفتاری مدیران تأثیر معناداری بر فرایند دستیابی شرکت‌ها به سطح بهینه سرمایه در گردش دارند. داداشی و همکاران (۱۴۰۴) در مطالعه‌ای تأثیر کوتاه‌بینی مدیریتی به عنوان یکی از ویژگی‌های رفتاری مدیران بر شدت تجدیدارائه صورت‌های مالی، با نقش تعدیل‌گری انگیزه‌های مالی مدیران بررسی کردند. یافته‌ها نشان دادند که کوتاه‌بینی مدیریتی می‌تواند منجر به تصمیم‌گیری‌های کوتاه‌مدت و غیرشفاف در گزارشگری مالی و افزایش تجدیدارائه صورت‌های مالی شود. همچنین، مشوق‌های مالی مدیران می‌توانند این اثر را تضعیف کنند و فشار دستیابی به اهداف کوتاه‌مدت تمایل به تجدیدارائه را افزایش می‌دهد.

۳- فرضیه‌های پژوهش

۱-۲. خوش‌بینی مدیر عامل و برآوردهای حسابداری

خوش‌بینی مدیرعامل به گرایشی اطلاق می‌شود که بر اساس آن، مدیران عامل چشم‌اندازهایی بیش از حد مثبت نسبت به عملکرد و آینده شرکت ارائه می‌کنند (مالمندیر و تیت، ۲۰۰۵؛ شراند و زچمن، ۲۰۱۲). این سوگیری روان‌شناختی می‌تواند تأثیر قابل‌توجهی بر تصمیم‌گیری‌های مالی (بن‌دیوید و همکاران، ۲۰۱۳)، از جمله برآوردهای حسابداری، داشته باشد و از منظرهای نظری و تجربی گوناگون مورد بررسی قرار گرفته است. در چارچوب نظریه نمایندگی (جنسن و مک‌لینگ، ۱۹۷۶)، مدیرعامل به عنوان نماینده سهامداران ممکن است انگیزه‌هایی برای اتخاذ تصمیم‌هایی در راستای منافع شخصی خود داشته باشد. خوش‌بینی بیش از حد می‌تواند این تضاد منافع را تشدید کند؛ زیرا مدیرعامل خوش‌بین ممکن است درآمدهای آتی را بیش‌برآورد، هزینه‌ها را کمتر از واقع پیش‌بینی، یا مفروضات خوش‌بینانه‌ای در برآوردهای مالی لحاظ کند. در نتیجه، این رفتار می‌تواند به برآوردهای حسابداری تهاجمی و پرریسک منجر شود؛ مانند شناسایی زود هنگام درآمد یا کاهش غیرواقعی ذخایر مطالبات مشکوک‌الوصول (چنگ و وارفیلد، ۲۰۰۵). شواهد تجربی نیز این دیدگاه را تأیید می‌کنند؛ برای مثال، ژانگ و لی (۲۰۲۲) نشان دادند که خوش‌بینی مدیرعامل با حسابداری تهاجمی و مدیریت سود همبستگی مثبت دارد.

از منظر نظریه چشم‌انداز (کانمن و تورسکی، ۱۹۷۹)، افراد در مواجهه با زیان‌ها رفتار ریسک‌پذیر و در مواجهه با منافع بالقوه رفتار محافظه‌کارانه از خود نشان می‌دهند. مدیرعامل خوش‌بین که به توانایی خود در تحقق نتایج مطلوب اطمینان دارد، ممکن است از شناسایی زیان اجتناب کند یا به اجرای پروژه‌های پرریسک روی آورد. این رفتارها می‌تواند به شکل‌گیری برآوردهای حسابداری غیرواقعی منجر شود که ریسک‌های بنیادین را به‌درستی منعکس

نمی‌کنند. در همین راستا، لیو و همکاران (۲۰۲۳) نشان دادند که خوش‌بینی مدیرعامل به بیش‌برآورد جریان‌های نقدی آتی و تورم برآوردهای مالی می‌انجامد. همچنین، مطالعاتی دیگر حاکی از آن است که خوش‌بینی مدیرعامل با برآورد اغراق‌آمیز سود آتی و ارزیابی‌های غیرواقعی دارایی‌ها و بدهی‌ها همراه است (لاوالو و کانمن، ۲۰۰۳؛ بیولر و همکاران، ۲۰۰۲). افزون بر این، وانگ و چن (۲۰۲۴) نشان دادند که خوش‌بینی مدیرعامل تمایل او را به انجام سرمایه‌گذاری‌های پُرریسک افزایش می‌دهد؛ امری که می‌تواند با برآوردهای حسابداری خوش‌بینانه و غیرمحافظه‌کارانه همراه باشد. بر این اساس، انتظار می‌رود خوش‌بینی مدیرعامل می‌تواند به برآوردهای حسابداری متورم، جانبدارانه و غیرواقعی منجر شود. بنابراین، فرضیه اول پژوهش به شرح زیر تدوین می‌شود:

فرضیه اول: خوش‌بینی مدیرعامل بر برآوردهای حسابداری اثر دارد.

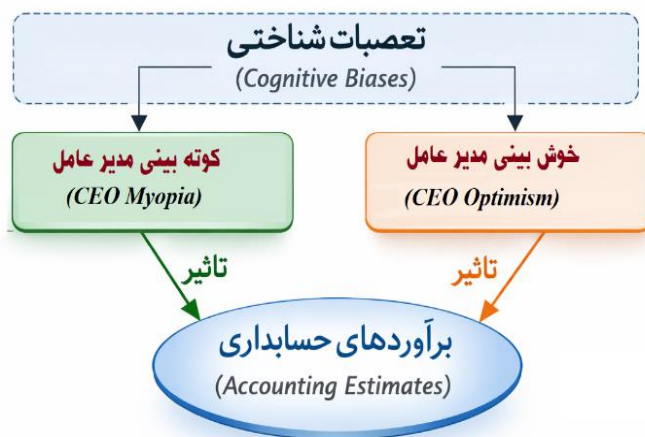
۲-۳. کوتاه‌بینی مدیر عامل و برآوردهای حسابداری

کوتاه‌بینی مفهومی است که ریشه در نظریه‌های اقتصادی و روان‌شناختی دارد و تبیین می‌کند چرا برخی مدیران عامل، عملکرد مالی کوتاه‌مدت را به پایداری و رشد بلندمدت شرکت ترجیح می‌دهند. از منظر نظریه نمایندگی (جنسن و مک‌لینگ، ۱۹۷۶)، مدیرانی که منافع آنان به شدت با شاخص‌های مالی کوتاه‌مدت گره خورده است، ممکن است برای کسب پاداش یا تثبیت موقعیت شغلی خود، تصمیم‌هایی اتخاذ کنند که به بهبود موقت عملکرد مالی بینجامد، حتی اگر این تصمیم‌ها به زیان منافع بلندمدت شرکت باشد. نمونه بارز این رفتار در قالب «مسئله افق» مشاهده می‌شود؛ وضعیتی که در آن مدیرعامل در آستانه بازنشستگی یا پایان دوره تصدی، از طریق مدیریت سود می‌کوشد نتایج عملکرد کوتاه‌مدت را بهبود بخشد (لووک و همکاران، ۲۰۱۴).

در حوزه برآوردهای حسابداری، این نگرش کوتاه‌نگرانه می‌تواند در قالب دستکاری اجزای گزار شگری مالی بروز یابد. برای مثال، مدیرعامل ممکن است شناسایی درآمد را تسریع کند، ذخایر مطالبات مشکوک‌الوصول را کاهش دهد یا روش‌های استهلاک را به گونه‌ای تنظیم کند که وضعیت مالی شرکت به‌طور مصنوعی بهبود یابد (گراهام و همکاران، ۲۰۰۵؛ فینکلستین و همبریک، ۱۹۹۶). این اقدامات، اگرچه در کوتاه‌مدت مطلوب به نظر می‌رسند، در نهایت می‌توانند به تحریف واقعیت‌های اقتصادی، کاهش شفافیت اطلاعات مالی و تضعیف ارزش بلندمدت شرکت منجر شوند. آنتیا و همکاران (۲۰۲۱) نشان دادند که کوتاه‌بینی مدیریتی با کاهش کیفیت سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت و فرصت‌های رشد همراه است؛ امری که می‌تواند به برآوردهای حسابداری غیرواقعی یا جانبدارانه بینجامد.

شواهد تجربی متعددی نیز نقش کوتاه‌بینی مدیرعامل در تصمیم‌های مالی را تأیید کرده‌اند. برای و همکاران (۲۰۲۴) دریافتند مدیرانی که خارج از ساختار هیئت‌مدیره منصوب می‌شوند، تمایل بیشتری به اتخاذ تصمیم‌های کوتاه‌نگرانه داشته و کمتر به برنامه‌ریزی‌های بلندمدت توجه می‌کنند. طالع‌زاری و عبدلی (۱۳۹۶) بیان کردند که مدیریت کوتاه‌بینانه با اتخاذ تصمیم‌های ناکارآمد و کاهش ارزش شرکت مرتبط است. افزون بر این، فدایی‌نژاد و دلشاد (۱۳۹۷) نشان دادند شرکت‌هایی با مدیرعامل کوتاه‌بین، بازده سالیانه آتی سهام کمتری دارند. امیری و همکاران (۱۳۹۷) نیز به این نتیجه رسیدند که رفتار کوتاه‌بینانه مدیرعامل موجب کاهش شفافیت اطلاعات مالی می‌شود؛ زیرا تمرکز بر اهداف کوتاه‌مدت مانع از ارائه تصویری دقیق و قابل اتکا از وضعیت مالی شرکت می‌گردد. بر این اساس، فرضیه دوم پژوهش به شرح زیر تدوین می‌شود:

فرضیه دوم: کوتاه‌بینی مدیرعامل بر برآوردهای حسابداری اثر دارد.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

۴- روش شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع تحلیلی و مبتنی بر داده‌های ثانویه است. رویکرد پژوهش کمی است و برای بررسی روابط متغیرها از استراتژی رگرسیون چندگانه استفاده شده است. داده‌ها از گزارش‌های سالیانه شرکت‌ها که از طریق سامانه جامع اطلاع‌رسانی ناشران اوراق بهادار (کدال) قابل دسترس است، گردآوری شده‌اند. جامعه آماری شامل تمامی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۲ است. برای انتخاب نمونه آماری نماینده از جامعه، از روش غربالگری استفاده شد و معیارهای خاصی که با مطابق جدول ۱ برای انتخاب شرکت‌ها در نظر گرفته شدند. پس از اعمال این معیارها، تعداد ۱۱۴ شرکت به عنوان نمونه انتخاب شدند و روند انتخاب نمونه در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. روند انتخاب نمونه آماری

۵۱۳	تعداد کل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس در پایان سال ۱۴۰۲
معیارها:	
(۲۱۷)	تعداد شرکت‌هایی که در قلمرو زمانی پژوهش در بورس فعال نبوده‌اند
(۹۰)	تعداد شرکت‌هایی که داده‌های پژوهش را نداشتند
(۳۴)	تعداد شرکت‌هایی که جز هلدینگ، سرمایه‌گذاری‌ها، واسطه‌گری‌های مالی، بانک‌ها و یا لیزینگ‌ها بوده‌اند
(۵۹)	تعداد شرکت‌هایی که سال مالی آن‌ها منتهی به پایان اسفند نبوده و یا در قلمرو زمانی پژوهش تغییر سال مالی داده‌اند
۱۱۴	تعداد شرکت‌های نمونه

۴-۲. مدل تجربی

برای آزمون فرضیه‌ها، مطابق با مطالعات پیشین گیزانی، (۲۰۲۴)، آنتیا و همکاران (۲۰۲۱) از الگوی رگرسیونی به شرح زیر استفاده شده است به طوریکه از ضریب β_1 برای آزمون فرضیه اول و از ضریب β_2 برای آزمون فرضیه دوم استفاده شده است.

$$AEST_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 OPT_{i,t} + \beta_2 Myopic_{i,t} + \beta_3 Size_{i,t} + \beta_4 Lev_{i,t} + \beta_5 CFO_{i,t} + \beta_6 FA_{i,t} + \beta_7 BInd_{i,t} + \beta_8 BS_{i,t} + \beta_9 Loss_{i,t} + \beta_{10} Age_{i,t} + \sum \beta_{i,t} YEAR + \sum \beta_{i,t} Industry + \varepsilon_{i,t}$$

در مدل فوق، $AEST_{i,t}$: برآورد حسابداری، $OPT_{i,t}$: خوش بینی، $Myopic_{i,t}$: کوتاه بینی، $Size_{i,t}$: اندازه شرکت، $Lev_{i,t}$: اهرم مالی، $CFO_{i,t}$: جریان وجوه نقد عملیاتی، $FA_{i,t}$: دارایی‌های ثابت،

$Bind_{i,t}$: استقلال اعضای هیات مدیره، $BS_{i,t}$: تعداد اعضای هیات مدیره، $Loss$: زیان شرکت، $Age_{i,t}$: عمر شرکت، $YEAR$: اثرات سال، $Industry$: اثرات صنعت و $\varepsilon_{i,t}$: خطای مدل هستند.

۳-۴. سنجش متغیرها

متغیر وابسته مدل برآورد حسابداری است. برای اندازه‌گیری برآوردهای حسابداری، از معیار پیشنهادی لیو و همکاران (۲۰۰)، مطابق با رشیدی و همکاران (۱۴۰۲)، استفاده شده است. منطق این معیار بر این مبناست که اقلام حسابداری و به‌ویژه اقلام تعهدی، حاصل به‌کارگیری قضاوت و برآوردهای مدیریت در فرایند شناسایی و اندازه‌گیری رویدادهای مالی هستند. از این‌رو، میزان انحراف اقلام تعهدی از سطحی که بر اساس عوامل اقتصادی و جریان‌های عملیاتی شرکت انتظار می‌رود، می‌تواند اطلاعاتی درباره میزان اتکای ارقام حسابداری به برآوردها و قضاوت‌های مدیریتی فراهم کند. بر اساس معیار لیو و همکاران (۲۰۱۰) از طریق تجزیه اقلام تعهدی به بخش تغییرات سرمایه در گردش (که عمدتاً مبتنی بر معاملات واقعی و قابل مشاهده است) و بخش باقی‌مانده (شامل تغییرات موجودی، استهلاک و سایر اقلام تعهدی برآوردی) انجام می‌شود؛ این بخش باقی‌مانده دقیقاً میزان اتکای سود به قضاوت‌ها و برآوردهای ذهنی مدیریت را نشان می‌دهد، زیرا اقلام مذکور مستلزم پیش‌بینی رویدادهای آینده، عمر مفید، احتمال وقوع و مبالغ مورد انتظار هستند و فضای گسترده‌ای برای اعمال سوگیری یا دستکاری فرصت‌طلبانه فراهم می‌کنند. لازم به ذکر است که این معیار، میزان مؤلفه برآوردی ارقام حسابداری به قضاوت و برآوردهای مدیریتی را نشان می‌دهد و لزوماً بیانگر کیفیت، دقت یا جهت‌جانب‌داری برآوردهای حسابداری نیست.

$$AEST = CFO - NI - \Delta WC - \Delta INV - D\&A$$

در مدل فوق، $AEST$: برآوردهای حسابداری، CFO : جریان وجوه نقد عملیاتی، NI : سود خالص، ΔWC : تغییرات سرمایه در گردش، ΔINV : تغییرات موجودی مواد و کالا، $D\&A$: استهلاک دارایی‌های ثابت مشهود و نامشهود هستند.

متغیرهای مستقل مدل شامل خوش‌بینی و کوتاه‌بینی مدیرعامل هستند. برای اندازه‌گیری خوش‌بینی مدیران، از شاخص بیش‌اطمینانی مبتنی بر سرمایه‌گذاری استفاده شده است که بر اساس پژوهش شراند و زچمن (۲۰۱۲) ارائه شده است. برای این منظور، ابتدا الگوی رگرسیون زیر برآورد شد و سپس برای هر سال، باقیمانده‌ها محاسبه گردید. باقیمانده مثبت بیانگر سرمایه‌گذاری فراتر از سطح پیش‌بینی شده است. بر این اساس، در صورتی که باقیمانده مدل برای یک شرکت مثبت باشد، شاخص خوش‌بینی برابر با یک و در غیر این صورت صفر در نظر گرفته شده است.

$$GAsset_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 GSale_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

در مدل فوق، $GAsset_{i,t}$: رشد دارایی‌ها، $GSale_{i,t}$: رشد فروش هستند.

در خصوص خوش‌بینی مدیرعامل، شاخص مورد استفاده پژوهش حاضر مبتنی بر رویکرد شراند و زچمن (۲۰۱۲) و بر مبنای رفتار سرمایه‌گذاری شرکت است. این شاخص یک پروکسی غیرمستقیم و رفتاری است. منطق این رویکرد در ادبیات مالی رفتاری این است که مدیران خوش‌بین ممکن است بازده پروژه‌های سرمایه‌گذاری را بیش از واقع ارزیابی و ریسک آنها را کمتر برآورد کنند و در نتیجه، سطح سرمایه‌گذاری یا رشد دارایی بالاتری را نسبت به سطح مورد انتظار بر اساس رشد فروش ایجاد کنند. در این چارچوب، استفاده از باقیمانده مثبت رابطه رشد دارایی‌ها و رشد فروش، امکان شناسایی مواردی را فراهم می‌کند که رشد دارایی بیش از مقدار قابل انتظار بر اساس رشد فروش است. در ادبیات مالی رفتاری، این بیش سرمایه‌گذاری به‌عنوان نشانه‌ای از خوش‌بینی مدیریتی تفسیر می‌شود؛ زیرا مدیران خوش‌بین تمایل دارند بازده پروژه‌ها را بیش‌برآورد کرده و احتمال موفقیت را بالاتر از واقع ارزیابی کنند.

براساس مطالعات پیشین (آریان‌پور و یزدان‌پناه، ۲۰۲۲؛ میزیک، ۲۰۱۰؛ گیزانی، ۲۰۲۴) برای اندازه‌گیری کوتاه‌بینی مدیر عامل از مدل‌های اندرسون و هسیاو (۱۹۸۲) استفاده شده است. معیار کوتاه‌بینی مدیرعامل در این پژوهش بر پایه یکی از پذیرفته‌شده‌ترین رویکردهای موجود در ادبیات مدیریت کوتاه‌بینانه طراحی شده است. منطق این معیار ریشه در نظریه مدیریت کوتاه‌بینانه دارد که بیان می‌کند مدیران با افق زمانی کوتاه، تمایل دارند با کاهش اختیاری سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت (که منافع آن در دوره‌های آتی ظاهر می‌شود)، عملکرد کوتاه‌مدت را متورم کنند (اندرسون و هسیاو، ۱۹۸۲).

بر اساس این پژوهش، شرکت‌هایی که به طور همزمان بازدهی بیش از حد مورد انتظار و هزینه بازاریابی کمتر از حد طبیعی دارند، احتمالاً مشمول ویژگی مدیریت کوتاه‌بینانه خواهند بود. برای شناسایی این شرکت‌ها، سطح مورد انتظار بازده دارایی‌ها و هزینه بازاریابی برای هر شرکت در هر دوره زمانی با مدل‌های زیر برآورد می‌شود.

$$ROA_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 ROA_{i,t-1} + \varepsilon$$

$$Mktg_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 Mktg_{i,t-1} + \varepsilon$$

که در آن $ROA_{i,t}$: بازده دارایی‌ها و $Mktg_{i,t}$: هزینه بازاریابی هستند. پس از محاسبه مقادیر برآوردی بازده دارایی‌ها و هزینه بازاریابی با استفاده از مدل‌های فوق، مقادیر پیش‌بینی شده حاصل از مدل با مقادیر واقعی محاسبه شدند. سپس با توجه به خطای‌های پیش‌بینی شده این دو مدل در دو گروه به شرح مندرج در جدول ۲ قرار گرفتند. پس از طبقه‌بندی گروه‌های فوق، گروه یک به عنوان شرکت‌های دارای مدیر عامل کوتاه‌بینانه در نظر گرفته شده است. زیرا، شرکت‌های این گروه دارای عملکرد مالی مثبت و هزینه بازاریابی آنها کاهش یافته است. بدین

ترتیب، در این پژوهش، اندازه‌گیری متغیر کوتاه‌بینانه به صورت مجازی (۱ و ۰) است. اگر شرکت‌های در طبقه یک قرار گرفتند عدد یک را اختیار می‌کنند در غیر این صورت عدد در نظر گرفته شده است.

جدول ۲. توزیع فراوانی شرکت‌ها

گروه ۲	گروه ۱
اختلاف بازده دارایی پیش‌بینی شده با واقعی مثبت پیش‌بینی شده با واقعی مثبت	اختلاف بازده دارایی پیش‌بینی شده با واقعی مثبت
اختلاف هزینه بازاریابی پیش‌بینی شده با واقعی مثبت	اختلاف هزینه بازاریابی پیش‌بینی شده با واقعی منفی

انتخاب شاخص‌های حاضر در مقایسه با معیارهای جایگزین، عمدتاً بر سه ملاحظه استوار بوده است. نخست، تناسب نظری با هدف پژوهش؛ شاخص‌های مورد استفاده تلاش می‌کنند خوش‌بینی را از طریق رفتار سرمایه‌گذاری و کوتاه‌بینی را از طریق تمرکز بر پیامدهای کوتاه‌مدت عملیاتی کنند و از این حیث با مبانی نظری پژوهش سازگارند. دوم، قابلیت محاسبه و تکرارپذیری؛ این شاخص‌ها بر داده‌های کمی و قابل استخراج از صورت‌های مالی و اطلاعات عمومی شرکت‌ها متکی هستند و امکان محاسبه یکسان برای تعداد زیادی از شرکت‌ها و سال‌های مورد بررسی را فراهم می‌کنند. این ویژگی به‌ویژه در پژوهش‌های آرشیوی بازار سرمایه ایران اهمیت دارد. سوم، محدودیت دسترسی به سنج‌های مستقیم؛ معیارهایی مانند پرسشنامه‌های روان‌شناختی، مصاحبه با مدیران، اطلاعات مربوط به معاملات و نگهداری اختیار خرید سهام مدیران، یا تحلیل متون افشای مدیرعامل، اگرچه می‌توانند ابعاد دیگری از ویژگی‌های رفتاری را اندازه‌گیری کنند، در نمونه و دوره مورد بررسی پژوهش حاضر از پوشش و قابلیت دسترسی یکسانی برخوردار نیستند.

متغیرهای کنترلی مدل شامل ویژگی‌های مختلف شرکت‌ها هستند که نحوه اندازه‌گیری آنها به این شرح است. اندازه شرکت با استفاده از لگاریتم طبیعی کل دارایی‌ها محاسبه شده است، اهرم مالی نیز از طریق نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها محاسبه می‌گردد. جریان وجوه نقد عملیاتی از صورت جریان وجوه نقد استخراج شده و به نسبت کل دارایی‌ها همگن می‌شود. دارایی‌های ثابت از طریق تقسیم کل دارایی‌های ثابت شرکت به کل دارایی‌ها به‌دست می‌آید. استقلال اعضای هیئت مدیره با محاسبه نسبت تعداد اعضای غیرموظف هیئت مدیره به تعداد کل اعضای هیئت مدیره ارزیابی شده است. تعداد اعضای هیئت مدیره نیز برابر با تعداد کل اعضای هیئت مدیره شرکت در نظر گرفته می‌شود. زبان به‌صورت یک متغیر مجازی تعریف

شده است که در صورت گزارش زیان توسط شرکت، مقدار آن برابر با ۱ و در غیر این صورت صفر خواهد بود. در نهایت، عمر شرکت از طریق لگاریتم طبیعی تفاوت سال جاری با سال تأسیس شرکت محاسبه می‌شود (گیزانی، ۲۰۲۴).

۵- یافته‌های پژوهش

۵-۱. نتایج آمار توصیفی

در جدول ۳ نتایج آمار توصیفی ارائه شده است. میانگین برآورد حسابداری ۲۵ درصد است که نشان می‌دهد شرکت‌ها، به‌طور متوسط، حدود یک‌چهارم از مقدار دارایی‌ها را به‌عنوان برآورد ثبت کرده‌اند. این عدد می‌تواند بیانگر سطح احتیاط یا خوش‌بینی در برآوردهای حسابداری باشد. میانگین اندازه شرکت‌ها نشان می‌دهد که شرکت‌های انتخاب شده از تنوع اندازه برخوردار هستند. میانگین اهرم مالی ۵۵/۱ درصد نشان می‌دهد که بیش از نیمی از دارایی‌های شرکت‌ها از طریق بدهی تأمین مالی شده است. میانگین جریان وجوه نقد عملیاتی نشان می‌دهد که شرکت‌ها به‌طور کلی توانایی تولید نقدینگی مثبت از عملیات خود را دارند. میانگین ۶۴/۸ درصد دارایی‌های ثابت نشان‌دهنده سرمایه‌گذاری بالا در اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات است. میانگین ۶۵/۷ درصد ساختار هیئت‌مدیره‌ای نشان‌دهنده این است که اکثریت اعضای را مستقل تشکیل می‌دهند. میانگین تعداد اعضای هیئت‌مدیره نشان‌دهنده یک ساختار معمولی و عرف است. میانگین لگاریتم طبیعی عمر شرکت‌ها نشان می‌دهد که بیشتر شرکت‌ها بیش از ۳۰ سال عمر دارند.

جدول ۳. نتایج آمار توصیفی متغیرها پیوسته

متغیرها	نماد	میانگین	میانه	انحراف معیار	بیشترین	کمترین
برآوردهای حسابداری	$AEST_{i,t}$	۰/۲۵۸	۰/۲۵۶	۰/۴۰۴	۱/۰۵۹	۰/۰۰۱
اندازه شرکت	$Size_{i,t}$	۱۵/۰۳۲	۱۴/۸۵۶	۱/۵۴۳	۲۰/۷۲۲	۱۱
اهرم مالی	$Lev_{i,t}$	۰/۵۵۱	۰/۵۴۸	۰/۲۱۸	۱/۵۶۶	۰/۰۳۱
جریان نقد عملیاتی	$CFO_{i,t}$	۰/۱۰۹	۰/۰۸۸	۰/۱۳۹	۰/۶۴۲	-۰/۴۶۰
دارایی‌های ثابت	$FA_{i,t}$	۰/۶۴۸	۰/۵۸۷	۰/۳۷۸	۰/۸۱۲	۰/۱۱۴
استقلال اعضای هیئت مدیره	$BInd_{i,t}$	۰/۶۵۷	۰/۶۰۰	۰/۱۹۲	۱	۰/۲۱۷
تعداد اعضای هیئت مدیره	$BS_{i,t}$	۵/۰۲۷	۵	۰/۲۳۱	۷	۵
عمر شرکت	$Age_{i,t}$	۳/۰۸۷	۳/۰۹۱	۰/۳۳۸	۴/۰۰۷	۲/۳۰۳

در جدول ۴ نتایج آمار توصیفی متغیرهای گسسته را نشان می دهد. خوش بینی مدیر عامل در ۳۷ درصد از نمونه ها مشاهده شده است، به این معنا که حدود ۳۷ درصد مدیر عامل شرکت دیدگاه مثبت و خوش بینانه ای نسبت به دستیابی به اهداف عملیاتی سال آتی دارند. این رفتار می تواند نشان دهنده اعتماد مدیر عامل به توانایی های شرکت باشد، اما اکثریت مدیر عامل (۶۳ درصد) رویکردی واقع گرایانه یا محافظه کارانه اتخاذ کرده اند از سوی دیگر، کوتاه بینی مدیر عامل در ۱۹ درصد از نمونه ها مشاهده شده است، به این معنا که این گروه از مدیر عامل تمایل به تصمیم گیری هایی دارند که منافع کوتاه مدت را بر منافع بلندمدت ترجیح می دهند. با این حال، غالب مدیر عامل (۸۱ درصد) از چنین رفتاری اجتناب کرده اند و دیدگاه بلندمدت تری در مدیریت و برنامه ریزی های شرکت ها داشته اند، که این امر می تواند به پایداری رشد و عملکرد بلندمدت شرکت ها کمک کند. در نهایت، زیان شرکت در تنها ۹ درصد از نمونه ها مشاهده شده است، که نشان می دهد اکثریت شرکت ها (۹۱ درصد) توانسته اند عملکرد مالی مثبتی داشته باشند. این در صد پایین زیان دهی بیانگر ثبات نسبی در عملکرد مالی شرکت ها است و ممکن است ناشی از مدیریت کارآمد، ساختار مالی مطلوب، یا شرایط اقتصادی مساعد باشد.

جدول ۴. نتایج آمار توصیفی متغیرهای گسسته

متغیرها	تماد	فراونی		درصد	
		یک	صفر	یک	صفر
خوش بینی مدیر عامل	$OPT_{i,t}$	۴۶۵	۷۸۹	۳۷٪	۶۳٪
کوتاه بینی مدیر عامل	$Myopic_{i,t}$	۲۴۲	۱۰۱۲	۱۹٪	۸۱٪
زیان شرکت	$Loss_{i,t}$	۱۱۲	۱۱۴۲	۹٪	۹۱٪

۵-۲. نتایج فرضیه ها

در جدول ۵ نتایج فرضیه های اول و دوم نشان داده شده است. مقدار آماره Wald χ^2 نشان دهنده معنادار بودن مدل رگرسیونی است. ضریب تعیین تعدیل شده بیانگر این است که مدل ۲۹ درصد از تغییرات در برآورد α سابداری را توضیح می دهد. مقدار VIF برای متغیرها کمتر از ۱۵ است که نشان دهنده عدم وجود مشکل چندخطی بین متغیرها است. نتایج آزمون والد تعدیل شده نشان می دهد که مشکل ناهمسانی واریانس در مدل وجود ندارد و مدل به شکل OLS آزمون شده است. با این حال، مقدار آماره آزمون ولدریج (۲۰۰۲) حاکی از وجود

خودهمبستگی سریالی در باقیمانده‌ها است. به‌منظور رفع این مشکل، مدل با فرض خودهمبستگی مرتبه اول آزمون شد.

نتایج جدول (۶) نشان می‌دهد که خوش‌بینی مدیرعامل (OPT) با ضریب مثبت (۰/۰۴۶) و سطح معناداری (۰/۰۳۹)، تأثیر مثبت و معناداری بر برآوردهای حسابداری دارد. این یافته را می‌توان با توجه به ویژگی‌های رفتاری مدیران خوش‌بین تبیین کرد. مدیران خوش‌بین معمولاً نسبت به آینده شرکت و پیامدهای تصمیم‌های خود ارزیابی مطلوب‌تری دارند و ممکن است احتمال تحقق منافع آتی را بیش از واقع برآورد کنند. عبارتی دیگر، مدیران عامل خوش‌بین به دلیل سوگیری شناختی خود، رویدادهای آینده را مطلوب‌تر از واقعیت ارزیابی می‌کنند و در نتیجه تمایل دارند برآوردهایی مانند عمر مفید دارایی‌ها، نرخ وصول مطالبات، ارزش اسقاط یا کاهش ارزش دارایی‌ها را به صورت خوش‌بینانه تنظیم کنند. این نگرش می‌تواند در فرآیند برآورد اقلام حسابداری نیز منعکس شده و موجب شود مدیر برای دستیابی به نتایج مورد انتظار خود، برآوردهای حسابداری را با خوش‌بینی بیشتری انجام دهد. از این‌رو، افزایش خوش‌بینی مدیرعامل می‌تواند زمینه افزایش برآوردهای مغرضانه را فراهم کند. بنابراین، فرضیه اول پژوهش در سطح خطای ۵ درصد رد نمی‌شود.

از سوی دیگر، کوتاه‌بینی مدیرعامل (Myopic) نیز با ضریب مثبت (۰/۰۵۱) و سطح معناداری (۰/۰۰۴)، تأثیر مثبت و معناداری بر برآوردهای حسابداری دارد. این رابطه را می‌توان ناشی از تمرکز مدیران کوتاه‌بین بر نتایج و منافع کوتاه‌مدت دانست. چنین مدیرانی ممکن است برای دستیابی به اهداف کوتاه‌مدت و حفظ عملکرد مطلوب شرکت، توجه بیشتری به نتایج جاری داشته باشند و در فرآیند برآوردهای حسابداری، تصمیم‌هایی اتخاذ کنند که به بهبود مقطعی عملکرد گزارش‌شده منجر شود. بنابراین، تمرکز بیش از حد بر افق کوتاه‌مدت می‌تواند بر نحوه انجام و میزان برآوردهای حسابداری اثرگذار باشد. بر این اساس، رابطه مثبت مشاهده‌شده نشان می‌دهد که افق تصمیم‌گیری کوتاه‌مدت مدیرعامل می‌تواند یکی از عوامل مؤثر بر افزایش برآوردهای حسابداری باشد. بنابراین، فرضیه دوم پژوهش نیز در سطح خطای ۵ درصد رد نمی‌شود.

جدول ۵. نتایج آزمون فرضیه‌ها

$AEST_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 OPT_{i,t} + \beta_2 Myopic_{i,t} + \beta_3 Size_{i,t} + \beta_4 Lev_{i,t} + \beta_5 CFO_{i,t} + \beta_6 FA_{i,t} + \beta_7 Blind_{i,t} + \beta_8 BS_{i,t} + \beta_9 Loss_{i,t} + \beta_{10} Age_{i,t} + \sum \beta_{i,t} YEAR + \sum \beta_{i,t} Industry + \varepsilon_{i,t}$					
متغیرها	علامت اختصاری	ضریب	آماره z	سطح معناداری	Vif
مقدار ثابت	β_0	۰/۳۲۵	۲/۷۵	۰/۰۰۰	-
خوش بینی	$OPT_{i,t}$	۰/۰۴۶	۲/۰۶	۰/۰۳۹	۱/۱۳
کوته بینی	$Myopic_{i,t}$	۰/۰۵۱	۲/۸۵	۰/۰۰۰	۱/۰۳
اندازه شرکت	$Size_{i,t}$	-۰/۰۰۰۲	-۰/۰۲	۰/۹۸۴	۱/۱۸
اهرم مالی	$Lev_{i,t}$	-۰/۳۸۸	-۶/۰۲	۰/۰۰۰	۱/۳۴
جریان نقد عملیاتی	$CFO_{i,t}$	-۰/۳۵۲	-۴/۱۷	۰/۰۰۰	۱/۰۸
دارایی‌های ثابت	$FA_{i,t}$	-۰/۶۰۲	-۸/۰۸	۰/۰۰۰	۱/۱۲
استقلال هیئت مدیره	$Blind_{i,t}$	۰/۰۷۱	۱/۰۲	۰/۳۰۸	۱/۰۳
تعداد هیئت مدیره	$BS_{i,t}$	۰/۰۲۲	۰/۴۱	۰/۶۷۸	۱/۱۰
زیان شرکت	$Loss_{i,t}$	۰/۱۳۵	۲/۴۸	۰/۰۰۰	۱/۲۰
عمر شرکت	$Age_{i,t}$	۰/۰۵۰	۰/۹۰	۰/۳۶۹	۱/۱۴
اثرات صنعت	YEAR	کنترل شد			
اثرات سال	Industry	کنترل شد			
آماره Wald chi2	۴۵۵/۰۹ (۰/۰۰۰)	ضریب تعیین تعدیل شده ۰/۲۹			

۵-۳. نتایج آزمون تحلیل حساسیت

تأثیر تعصبات شناختی مدیر عامل، از جمله خوش بینی و کوتاه بینی بر برآوردهای حسابداری می تواند در محیط های مختلف حاکمیت شرکتی که بر اساس ویژگی های هیئت مدیره شکل می گیرد، متفاوت باشد. در این میان، دوگانگی وظایف مدیرعامل، یعنی تصدی هم زمان سمت مدیرعامل و رئیس هیئت مدیره، از مهم ترین ویژگی های ساختار حاکمیت شرکتی است که می تواند توازن قدرت میان مدیرعامل و هیئت مدیره و اثربخشی نظارت بر مدیریت را تحت تأثیر قرار دهد. پچاک و همکاران (۲۰۰۹) استدلال می کنند که تمرکز قدرت در سطح مدیرعامل می تواند اثربخشی سازوکارهای نظارتی را کاهش دهد و جنسن (۱۹۹۳) نیز تفکیک نقش مدیرعامل از رئیس هیئت مدیره را برای تقویت نظارت بر مدیریت ضروری می داند. از منظر رفتاری، اهمیت این موضوع زمانی بیشتر می شود که مدیرعامل دارای سوگیری های شناختی باشد؛ به گونه ای که مدیران خوش بین ممکن است پیامدهای تصمیم های خود و منافع آتی شرکت را بیش از حد مطلوب ارزیابی کنند، در حالی که مدیران کوتاه بین توجه بیشتری به نتایج جاری و منافع کوتاه مدت دارند. بن محمد و همکاران (۲۰۱۲) نشان می دهند که سازوکارهای حاکمیت شرکتی می توانند بر میزان خوش بینی مدیران اثرگذار باشند و از این رو، محیط حاکمیت شرکتی می تواند شدت بروز پیامدهای این ویژگی رفتاری را تغییر دهد. در شرایط دوگانگی وظایف، مدیرعامل علاوه بر نقش اجرایی، ریاست هیئت مدیره را نیز بر عهده دارد و در نتیجه، قدرت بیشتری در تعیین دستورکار هیئت مدیره، جریان اطلاعات و فرآیند نظارت خواهد داشت؛ موضوعی که می تواند توانایی هیئت مدیره در کنترل و محدود کردن تصمیم های مدیرعامل را کاهش دهد (فینکلشتاین و داوونی، ۱۹۹۴؛ تاگل و همکاران، ۲۰۰۸). همچنین، شواهد فروغی و ساکیانی (۱۳۹۵) و فلاح حمیدی و همکاران (۱۴۰۰) نشان می دهد که دوگانگی وظایف با افزایش قدرت مدیرعامل و اتخاذ تصمیم های ریسک پذیرانه تر همراه است. این افزایش قدرت می تواند در حوزه گزارشگری مالی نیز اهمیت داشته باشد؛ زیرا شواهد پژوهشی نشان داده اند که مدیرعاملان دارای دوگانگی وظایف از قدرت بیشتری برای تأثیرگذاری بر گزار شگری مالی و مدیریت سود برخوردارند (باو و شوئه، ۲۰۲۳؛ آزدو و همکاران، ۲۰۲۴). به طور مشخص، آزدو و همکاران (۲۰۲۴) نشان می دهند که تفکیک نقش مدیرعامل و رئیس هیئت مدیره می تواند اثر مثبت قدرت مدیرعامل بر مدیریت سود را محدود کند، که این یافته از نقش حاکمیت شرکتی در تعدیل پیامدهای ویژگی های شخصیتی مدیرعامل حمایت می کند. بنابراین، هنگامی که مدیرعامل خوش بین است، افزایش قدرت و کاهش محدودیت های نظارتی ناشی از دوگانگی وظایف می تواند امکان انعکاس انتظارات بیش از حد مثبت وی را در فرآیند

برآوردهای حسابداری افزایش دهد؛ همچنین، در مورد مدیرعامل کوتاه‌بین، ضعف نسبی نظارت می‌تواند زمینه تمرکز بیشتر وی بر نتایج کوتاه‌مدت و انعکاس این گرایش در تصمیم‌های مبتنی بر برآورد را فراهم کند.

بنابراین، اثر تعصبات شناختی مدیرعامل بر برآوردهای حسابداری تحت محیط حاکمیت شرکتی قرار می‌گیرد. برای دستیابی به این هدف، مدل پژوهش با تمرکز بر نقش مدیرعامل در هیئت‌مدیره، بررسی شد. برای این منظور، دوگانگی وظایف مدیرعامل (رئیس یا نایب‌رئیس بودن در هیئت‌مدیره) به عنوان یک متغیر تعدیل‌کننده در نظر گرفته شد و شرکت‌هایی که مدیرعامل آن‌ها دارای این ویژگی بودند، مورد آزمون قرار گرفتند که نتایج در جدول ۶ ارائه شده است.

نتایج شان می‌دهد که ضریب تعامل بین دوگانگی وظایف و خوش‌بینی مدیرعامل ($OPT \times Dual$) برابر با ۰/۱۶۷ و مقدار آماره Z آن ۲/۴۶ است که تأثیر مثبت و معناداری بر برآوردهای حسابداری دارد. این یافته نشان می‌دهد که مدیرعامل خوش‌بین، در صورت داشتن نقش دوگانه در هیئت‌مدیره، برآوردهای حسابداری بیشتری انجام می‌دهد. همچنین، ضریب تعامل بین دوگانگی وظایف و کوتاه‌بینی مدیرعامل ($Myopic \times Dual$) برابر با ۰/۲۴۳ و مقدار آماره Z آن ۲/۶۸ است که تأثیر مثبت و معناداری بر برآورد حسابداری دارد. یافته‌ها نشان می‌دهد که مدیرعامل خوش‌بین، به‌ویژه در شرایطی که هم‌زمان نقش رئیس یا نایب‌رئیس هیئت‌مدیره را نیز بر عهده دارد، می‌تواند تأثیر معناداری بر برآوردهای حسابداری داشته باشد. به عبارت دیگر، دوگانگی وظایف مدیرعامل، همراه با خوش‌بینی مدیریتی، منجر به افزایش برآورد حسابداری می‌شود. همچنین، تأثیر مثبت و معنادار دوگانگی وظایف بر رفتار مدیرعامل کوتاه‌بین نشان می‌دهد که در چنین شرایطی، برآورد حسابداری را افزایش می‌دهد، اگرچه میزان این تأثیر نسبت به مدیرعامل خوش‌بین کمتر است.

در نتیجه، نتایج پژوهش حاکی از آن است که ترکیب ویژگی‌های شناختی مدیرعامل (خوش‌بینی و کوتاه‌بینی) و ساختار هیأت‌مدیره (دوگانگی وظایف) می‌تواند بر نحوه برآوردهای حسابداری اثرگذار باشد. این نتایج نشان می‌دهد که مدیرعاملانی که قدرت بیشتری در تصمیم‌گیری و نظارت دارند، ممکن است تمایل بیشتری به اعمال خوش‌بینی یا اتخاذ تصمیمات کوتاه‌مدت داشته باشند، که این امر می‌تواند به رفتارهای خاصی در گزارشگری مالی منجر شود. از این‌رو، نقش هیأت‌مدیره در کنترل و کاهش سوگیری‌های مدیریتی حائز اهمیت است؛ زیرا ساختارهای ضعیف نظارتی می‌توانند امکان اعمال تعصبات شناختی را افزایش داده و کیفیت گزارشگری مالی را تحت تأثیر قرار دهند.

جدول ۶. نتایج آزمون اول تحلیل حساسیت

$AEST_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 OPT_{i,t} + \beta_2 Dual_{i,t} + \beta_3 OPT_{i,t} \times Dual_{i,t} + \beta_4 Myopic_{i,t} + \beta_5 Myopic_{i,t} \times Dual_{i,t} + \beta_6 Size_{i,t} + \beta_7 Lev_{i,t} + \beta_8 CFO_{i,t} + \beta_9 FA_{i,t} + \beta_{10} Blind_{i,t} + \beta_{11} BS_{i,t} + \beta_{12} Loss_{i,t} + \beta_{13} Age_{i,t} + \sum \beta_{i,t} YEAR + \sum \beta_{i,t} Industry + \varepsilon_{i,t}$					
متغیرها	علامت اختصاری	ضریب	آماره z	سطح معناداری	vif
مقدار ثابت	β_0	۰/۳۹۳	۲/۷۷	۰/۰۰۰	-
خوش بینی	$OPT_{i,t}$	۰/۰۵۷	۲/۶۶	۰/۰۰۰	۱/۵۹
دوگانگی وظایف	$Dual_{i,t}$	۰/۰۸۶	۲/۳۸	۰/۰۱۶	۱/۹۰
خوش بینی با دوگانگی وظایف	$OPT_{i,t} \times Dual_{i,t}$	۰/۱۶۷	۲/۴۶	۰/۰۰۱	۱/۲۵
کوته بینی	$Myopic_{i,t}$	۰/۰۹۵	۳/۰۴	۰/۰۰۰	۱/۵۱
کوته بینی با دوگانگی وظایف	$Myopic_{i,t} \times Dual_{i,t}$	۰/۲۴۳	۲/۶۸	۰/۰۰۰	۱/۷۹
اندازه شرکت	$Size_{i,t}$	-۰/۰۰۰۹	-۰/۰۸	۰/۹۴۰	۱/۱۹
اهرم مالی	$Lev_{i,t}$	-۰/۳۹۰	-۶/۰۱	۰/۰۰۰	۱/۳۵
جریان نقد عملیاتی	$CFO_{i,t}$	-۰/۳۴۶	-۴/۱۱	۰/۰۰۰	۱/۰۸
دارایی‌های ثابت	$FA_{i,t}$	-۰/۵۹۰	-۷/۸۶	۰/۰۰۰	۱/۱۲
استقلال هیئت مدیره	$Blind_{i,t}$	۰/۰۷۳	۱/۰۳	۰/۴۱۷	۱/۱۴
تعداد اهیئت مدیره	$BS_{i,t}$	۰/۰۱۷	۰/۴۲۹	۰/۳۲۶	۱/۰۳
زیان شرکت	$Loss_{i,t}$	۰/۱۳۶	۳/۴۳	۰/۰۰۰	۱/۲۰
عمر شرکت	$Age_{i,t}$	۰/۰۴۷	۰/۸۲	۰/۴۱۲	۱/۱۶
اثرات صنعت	YEAR	کنترل شد			
اثرات سال	Industry	کنترل شد			
آماره Wald chi2 ۴۶۲/۹۷ (۰/۰۰۰)		ضریب تعیین تعدیل شده ۰/۳۰			

به منظور افزایش استحکام نتایج فرضیه‌ها، مطابق با پژوهش رشیدی و همکاران (۱۴۰۲)، شدت متغیر برآورد حسابداری در سطح صنایع مورد بررسی قرار گرفت. از آنجا که شرکت‌های فعال در یک صنعت خاص دارای ویژگی‌های عملیاتی و مالی مشابهی هستند، انتظار می‌رود که برآوردهای حسابداری و اقلام غیرنقدی آن‌ها نیز قابل مقایسه باشد. برای سنجش این شدت، نسبت برآورد حسابداری شرکت به مجموع برآورد حسابداری صنعت مربوطه محاسبه شد. نتایج ارائه‌شده در جدول ۷ نشان می‌دهد که تعصبات شناختی مدیرعامل خوش‌بین (OPT) تأثیر مثبت (۰/۷۶۰) و معناداری (آماره $Z = ۲/۶۷$) بر برآوردهای حسابداری دارد که در سطح خطای ۵٪ معنادار است. همچنین، تعصبات شناختی مدیرعامل کوتاه‌بین (Myopic) تأثیر مثبت (۰/۴۱۴) و معناداری (آماره $Z = ۲/۳۳$) بر برآوردهای حسابداری دارد که در سطح خطای ۵٪ معنادار است. این یافته‌ها تأیید می‌کند که ویژگی‌های شناختی مدیرعامل می‌توانند بر شدت برآوردهای حسابداری در سطح صنعت اثرگذار باشند. به این ترتیب، نتایج فرضیه‌ها پایدار هستند.

جدول ۷. نتایج آزمون دوم تحلیل حساسیت

$AEST_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 OPT_{i,t} + \beta_2 Myopic_{i,t} + \beta_3 Size_{i,t} + \beta_4 Lev_{i,t} + \beta_5 CFO_{i,t} + \beta_6 FA_{i,t} + \beta_7 BInd_{i,t} + \beta_8 BS_{i,t} + \beta_9 Loss_{i,t} + \beta_{10} Age_{i,t} + \sum \beta_{i,t} YEAR + \sum \beta_{i,t} Industry + \varepsilon_{i,t}$					
متغیرها	علامت اختصاری	ضریب	آماره z	سطح معناداری	vif
مقدار ثابت	β_0	۰/۳۴۶	۲/۵۱	۰/۰۰۰	-
خوش بینی	$OPT_{i,t}$	۰/۷۶۰	۲/۶۷	/۰۰۰	۱/۱۳
کوتاه بینی	$Myopic_{i,t}$	۰/۴۱۴	۲/۳۳	۰/۰۱۸	۱/۰۳
اندازه شرکت	$Size_{i,t}$	-۰/۴۵۳	-۱/۱۱	۰/۱۵۶	۱/۱۸
اهرم مالی	$Lev_{i,t}$	-۰/۵۷۱	-۳/۶۹	۰/۰۰۰	۱/۳۴
جریان نقد عملیاتی	$CFO_{i,t}$	-۰/۸۰۵	-۳/۲۲	۰/۰۰۰	۱/۰۸
دارایی های ثابت	$FA_{i,t}$	-۰/۳۱۵	-۵/۲۷	۰/۰۰۰	۱/۱۲
استقلال هیئت مدیره	$BInd_{i,t}$	۰/۶۲۴	۰/۳۲	۰/۰۲۰	۱/۱۰
تعداد هیئت مدیره	$BS_{i,t}$	۰/۶۷۲	۰/۶۲	۰/۵۳۸	۱/۰۳
زیان شرکت	$Loss_{i,t}$	۰/۵۹۵	۲/۸۱	۰/۰۰۰	۱/۲۰
عمر شرکت	$Age_{i,t}$	۰/۰۴۷	۱/۶۳	۰/۱۰۲	۱/۱۴
اثرات صنعت	YEAR	کنترل شد			
اثرات سال	Industry	کنترل شد			
Wald chi2	۱۳۵/۷۹ (۰/۰۰۰)				۲۴۰/۲۷LR

سرانجام، به منظور افزایش دقت در سنجش خوش بینی مدیریتی و اتکای بیشتر به شواهد تجربی، از یک متغیر جایگزین مبتنی بر تصمیمات سرمایه گذاری مدیران استفاده شده است. مطالعات پیشین نشان می دهند که سیاست های سرمایه گذاری شرکت ها می تواند بازتابی از سطح خوش بینی مدیران باشد (کمبل و همکاران، ۲۰۱۱). بر این اساس، از معیار جایگزینی برای خوش بینی کاذب مدیریتی بر مبنای الگوی سرمایه گذاری استفاده شد. این متغیر به

صورت یک متغیر مجازی اندازه‌گیری می‌شود؛ به گونه‌ای که اگر نسبت مخارج سرمایه‌ای در یک دوره معین به کل دارایی‌های ابتدای دوره بیشتر از میانه صنعت مربوطه در همان سال باشد، مقدار آن برابر با «یک» و در غیر این صورت برابر با «صفر» در نظر گرفته می‌شود. پایه نظری این معیار برگرفته از پژوهش‌های بن‌دیوید و همکاران، (۲۰۱۰)؛ مالمندیر و تیت، (۲۰۰۵) است. نتایج این مطالعات نشان می‌دهد که در شرکت‌هایی با مدیران خوش‌بین، تمایل به انجام سرمایه‌گذاری‌های بیشتر و تحمل ریسک بالاتر وجود دارد؛ بنابراین مخارج سرمایه‌ای این شرکت‌ها در مقایسه با سایر شرکت‌ها به‌طور معناداری در سطح بالاتری قرار می‌گیرد.

بر اساس نتایج ارائه شده در جدول ۸، ضریب متغیر خوش‌بینی مدیریتی (OPT) برابر با ۰/۰۳۴ بوده و آماره Z آن ۲/۱۷ با سطح معناداری ۰/۰۰۵ است. این یافته حاکی از آن است که خوش‌بینی مدیریتی تأثیر مثبت و معناداری بر برآوردهای حسابداری دارد. به عبارت دیگر، با افزایش سطح خوش‌بینی مدیران، برآوردهای حسابداری شرکت نیز به‌طور معناداری افزایش می‌یابد. این نتیجه با مبانی نظری پژوهش هم‌راستا است، زیرا مدیران خوش‌بین تمایل دارند چشم‌انداز مطلوب‌تری از عملکرد آتی شرکت ترسیم کنند و این موضوع در برآوردهای حسابداری آن‌ها منعکس می‌شود. در مجموع، یافته‌های فوق بیانگر آن است که حتی با استفاده از متغیر جایگزین برای خوش‌بینی مدیریتی، نتایج پژوهش همچنان با یافته‌های پیشین هم‌خوانی دارد و روابط مورد انتظار تأیید می‌شوند.

جدول ۸. نتایج آزمون سوم تحلیل حساسیت

$AEST_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 OPT_{i,t} + \beta_2 Size_{i,t} + \beta_3 Lev_{i,t} + \beta_4 CFO_{i,t} + \beta_5 FA_{i,t} + \beta_6 BInd_{i,t} + \beta_7 BS_{i,t} + \beta_8 Loss_{i,t} + \beta_9 Age_{i,t} + \sum \beta_{i,t} YEAR + \sum \beta_{i,t} Industry + \varepsilon_{i,t}$					
متغیرها	علامت اختصاری	ضریب	آماره z	سطح معناداری	Vif
مقدار ثابت	β_0	۰/۲۹۴	۲/۶۷	۰/۰۰۰	-
خوش بینی	$OPT_{i,t}$	۰/۰۳۴	۲/۱۷	۰/۰۰۵	۱/۱۸
اندازه شرکت	$Size_{i,t}$	-۰/۰۰۱	-۰/۱۵	۰/۸۸۳	۱/۱۷
اهرم مالی	$Lev_{i,t}$	-۰/۴۰۷	-۶/۳۲	۰/۰۰۰	۱/۳۲
جریان نقد عملیاتی	$CFO_{i,t}$	-۰/۳۵۳	-۴/۱۹	۰/۰۰۰	۱/۰۷
دارایی‌های ثابت	$FA_{i,t}$	-۰/۶۲۷	-۸/۱۳	۰/۰۰۰	۱/۲۳
استقلال هیئت مدیره	$BInd_{i,t}$	۰/۰۶۹	۰/۹۸	۰/۳۲۶	۱/۱۰
تعداد هیئت مدیره	$BS_{i,t}$	۰/۰۲۵	۰/۴۶	۰/۶۴۲	۱/۰۴
زیان شرکت	$Loss_{i,t}$	۰/۱۲۹	۳/۲۶	۰/۰۰۱	۱/۱۹
عمر شرکت	$Age_{i,t}$	۰/۰۵۷	۱/۰۲	۰/۳۰۸	۱/۱۴
اثرات صنعت	YEAR	کنترل شد			
اثرات سال	Industry	کنترل شد			
آماره Wald chi2	(۰/۰۰۰) ۴۴۴/۸۱	ضریب تعیین تعدیل شده ۰/۲۹			

به منظور بررسی و کنترل مسائل درون زایی بالقوه ناشی از علیت معکوس، همزمانی میان متغیرهای توضیحی و وابسته، و وجود متغیرهای حذف شده و ناهمگنی‌های مشاهده شده، از تخمین گر گشتاورهای تعمیم یافته سیستمی (System-GMM) استفاده شد. انتخاب این روش از آن جهت است که در روابط مورد بررسی، احتمال وجود رابطه دوسویه میان متغیرهای

خوش‌بینی و کوتاه‌بینی مدیرعامل و برآوردهای حسابداری وجود دارد؛ به‌گونه‌ای که علاوه بر تأثیر خوش‌بینی و کوتاه‌بینی مدیرعامل بر نحوه انجام برآوردهای حسابداری، ویژگی‌های مرتبط با برآوردهای حسابداری و شرایط شرکت نیز می‌تواند بر رفتار و تصمیم‌های مدیرعامل اثرگذار باشد. همچنین، برخی عوامل مشاهده شده در سطح شرکت می‌توانند همزمان بر متغیرهای مدل اثرگذار باشند و موجب ایجاد تورش در برآورد ضرایب شوند. در این روش، برای متغیرهای بالقوه درون‌زا از مقادیر وقفه‌دار آن‌ها به‌عنوان ابزارهای درونی استفاده شد؛ زیرا مقادیر گذشته متغیرها با مقادیر جاری آن‌ها ارتباط داشته، اما با جزء اخلاص جاری، تحت فروض لازم مدل، ارتباط مستقیمی ندارند. بنابراین، انتخاب ابزارها بر مبنای ماهیت درون‌زایی متغیرها و استفاده از وقفه‌های مناسب آن‌ها صورت گرفت تا هم ارتباط ابزارها با متغیرهای درون‌زا حفظ شود و هم شرط برون‌زایی ابزارها رعایت شود.

نتایج برآورد مدل در جدول (۹) نشان می‌دهد آماره Wald برابر ۰/۷۹۵ است که بیانگر معناداری کلی مدل است و آزمون خودهمبستگی آرانو - باند نشان می‌دهد خودهمبستگی مرتبه دوم معنی‌دار نیست. بنابراین، مدل از نظر پویایی به‌درستی تصریح شده است. همچنین آزمون سارگان غیرمعنادار است که اعتبار ابزارها را تأیید می‌کند. نتایج مقدار ضریب خوش‌بینی مدیرعامل (OPT) و سطح معناداری آن نشان می‌دهد که اثر مثبت و معناداری بر برآوردهای حسابداری دارد، به این معنا که افزایش خوش‌بینی مدیرعامل با افزایش میزان برآوردهای حسابداری مغرضانه همراه است.

همچنین مقدار ضریب کوتاه‌بینی مدیرعامل (Myopic) و سطح معناداری آن نشان می‌دهد که تأثیر مثبت و معناداری بر برآوردهای حسابداری دارد، این نتایج بیانگر این است که مدیران کوتاه‌نگر برای تحقق اهداف کوتاه‌مدت تمایل به استفاده از برآوردهای حسابداری افزایشی دارند.

جدول ۹. نتایج آزمون System-GMM

$AEST_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 OPT_{i,t} + \beta_2 Myopic_{i,t} + \beta_3 Size_{i,t} + \beta_4 Lev_{i,t} + \beta_5 CFO_{i,t} + \beta_6 FA_{i,t} + \beta_7 BInd_{i,t} + \beta_8 BS_{i,t} + \beta_9 Loss_{i,t} + \beta_{10} Age_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$				
متغیرها	علامت اختصاری	ضریب	آماره z	سطح معناداری
مقدار ثابت	β_0	۰/۴۹۵	۲/۳۳	۰/۰۰۰
خوش بینی	$OPT_{i,t}$	۰/۰۵۳	۳/۷۷	۰/۰۰۰
کوته بینی	$Myopic_{i,t}$	۰/۰۴۴	۲/۷۴	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	$Size_{i,t}$	-۰/۰۰۳	-۰/۱۸	۰/۸۵۸
اهرم مالی	$Lev_{i,t}$	-۰/۶۲۰	-۱۰/۲۵	۰/۰۰۰
جریان نقد عملیاتی	$CFO_{i,t}$	-۰/۷۳۱	-۱۲/۷۶	۰/۰۰۰
دارایی های ثابت	$FA_{i,t}$	-۰/۷۴۸	-۱۰/۵۳	۰/۰۰۰
استقلال هیئت مدیره	$BInd_{i,t}$	۰/۰۲۲	۰/۳۲	۰/۷۴۶
تعداد هیئت مدیره	$BS_{i,t}$	۰/۰۲۶	۰/۳۷	۰/۷۱۱
زیان شرکت	$Loss_{i,t}$	۰/۰۶۴	۲/۴۲	۰/۰۱۵
عمر شرکت	$Age_{i,t}$	۰/۱۹۱	۱/۶۵	۰/۰۹۹
آماره Wald chi2	۷۹۵/۰۷ (۰/۰۰۰)	سارگان	(۰/۱۲۷) ۴۸/۴۲۸	
خود همبستگی مرتبه اول آرتانو-باند ۳/۲۷ (۰/۰۰۰) خود همبستگی مرتبه دوم آرتانو-باند ۱/۴۱ (۱/۲۷۳)				

۶- بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر تأثیر دو سویه رفتاری تعصبات شناختی مدیر عامل بر برآوردهای حسابداری بررسی شد. نتایج آزمون فرضیه اول نشان داد خوش‌بینی مدیر عامل اثر مثبت و معناداری بر برآوردهای حسابداری دارد. این یافته را می‌توان در چارچوب سوگیری‌های شناختی نظام‌مند تبیین کرد. خوش‌بینی نه تنها یک ویژگی شخصیتی، بلکه الگویی از پردازش اطلاعات است که طی آن مدیر به طور ناخواسته احتمال وقوع پیامدهای مطلوب را بیش‌برآورد و سناریوهای منفی را کم‌وزن می‌کند. چنین عدم‌تقارنی در وزن‌دهی به اطلاعات، موجب می‌شود مفروضات زیربنایی برآوردها به سمت مقادیر بالاتر متمایل شوند. در این چارچوب، انحراف مشاهده‌شده در برآوردهای حسابداری را می‌توان بازتاب یک سوگیری ادراکی پایدار دانست که در فرآیند قضاوت حرفه‌ای مدیر نهادینه شده است. این نتیجه با نظریه نمایندگی نیز قابل تبیین است؛ به گونه‌ای که مدیر عامل ممکن است برای تقویت تصویر عملکرد شرکت و حفظ جایگاه خود، برآوردهایی ارائه دهند که وضعیت مالی را مطلوب‌تر نشان دهد. همچنین، در چارچوب نظریه چشم‌انداز، خوش‌بینی می‌تواند ناشی از سوگیری در ارزیابی ریسک و بیش‌برآورد احتمال پیامدهای مثبت باشد. این یافته با نتایج پژوهش‌های هریبار و یانگ (۲۰۱۶)، لیبی و رنک‌کمپ (۲۰۱۲)، گائو و همکاران (۲۰۲۳) و سان و ژائو (۲۰۲۴) همسو است که نشان می‌دهند ویژگی‌های رفتاری مدیران بر کیفیت و جهت‌گیری گزارشگری مالی اثرگذار است. همچنین، نتایج آزمون فرضیه دوم نیز نشان داد کوتاه‌بینی مدیر عامل اثر مثبت و معناداری بر برآوردهای حسابداری دارد. این نتیجه را می‌توان در چارچوب سوگیری افق زمانی و ترجیح پاداش‌های فوری تبیین کرد. مدیر کوتاه‌بین به دلیل تمرکز ذهنی بر پیامدهای نزدیک، وزن بیشتری به نتایج کوتاه‌مدت داده و هزینه‌های بلندمدت را کمتر در تصمیم‌گیری لحاظ می‌کند. این تمرکز شناختی می‌تواند به تعدیل برآوردها در جهت کاهش عدم‌اطمینان کوتاه‌مدت، اجتناب از شناسایی زیان یا هموارسازی سود منجر شود. در چارچوب نظریه چشم‌انداز نیز، تمرکز بر اجتناب از زیان‌های کوتاه‌مدت می‌تواند به اتخاذ رویکردهای محتاطانه در برآوردها منجر شود. بنابراین، برآوردهای حسابداری در این شرایط صرفاً خروجی قواعد فنی نیستند، بلکه محصول تعامل میان انگیزه‌های نمایندگی و سوگیری‌های شناختی در سطح تصمیم‌گیرنده‌اند. از منظر نظریه نمایندگی، چنین رفتاری می‌تواند تلاشی برای کاهش ریسک‌های کوتاه‌مدت و مدیریت انتظارات بازار باشد.

نتایج حاضر دارای کارکردهای عملی مشخصی است. برای سرمایه‌گذاران و تحلیلگران، توجه به ویژگی‌های رفتاری مدیر عامل می‌تواند در ارزیابی ریسک اطلاعاتی شرکت و تفسیر ارقام مبتنی بر قضاوت مدیریت مؤثر باشد و در پیش‌بینی سود و جریان‌های نقدی، احتمال عدم قطعیت

ناشی از برآوردهای مدیریتی را در نظر بگیرند. برای کمیته حسابرسی و هیئت مدیره، یافته‌ها بر ضرورت نظارت بیشتر بر برآوردهای بااهمیت، تغییرات غیرعادی در مفروضات و اقلام تعهدی تأکید دارد تا احتمال استفاده نامناسب از انعطاف‌پذیری موجود در برآوردهای حسابداری کاهش یابد. برای حساب‌رسان، خوش‌بینی و کوتاه‌بینی مدیرعامل می‌تواند به عنوان یکی از عوامل افزایش ریسک سوگیری در برآوردهای حسابداری مورد توجه قرار گیرد؛ بنابراین، در این شرایط بررسی مفروضات کلیدی، مقایسه برآوردهای مدیریت با شواهد مستقل و انجام آزمون‌های حساسیت می‌تواند به ارزیابی دقیق‌تر برآوردها کمک کند. این رویکرد با الزامات حرفه‌ای حسابرسی برآوردهای حسابداری و توجه به سوگیری مدیریت نیز هم‌سو است. در نهایت، نهادهای ناظر می‌توانند با تقویت الزامات افشای مفروضات اساسی، تغییرات بااهمیت در برآوردها و حساسیت نتایج نسبت به تغییر مفروضات، شفافیت اطلاعات مالی را افزایش داده و امکان ارزیابی بهتر ریسک گزارشگری مالی توسط سرمایه‌گذاران را فراهم کنند.

– محدودیت‌ها

در دستیابی به اهداف پژوهش، محدودیت‌هایی وجود داشته است که باید در تفسیر یافته‌ها مدنظر قرار گیرد. اول، خوش‌بینی و کوتاه‌بینی مدیر عامل به صورت غیرمستقیم و از طریق شاخص‌های کمی مبتنی بر داده‌های مالی و بازار اندازه‌گیری شده‌اند. این شاخص‌ها اگرچه در ادبیات پژوهش‌های قبلی به طور گسترده مورد استفاده قرار گرفته‌اند، ممکن است تمامی ابعاد روان‌شناختی و واقعی این ویژگی‌های رفتاری را به طور کامل منعکس نکنند و بنابراین، نتایج مربوط به متغیرهای رفتاری باید با توجه به ماهیت شاخص‌های مورد استفاده تفسیر شوند.

دوم، یافته‌های پژوهش صرفاً مبتنی بر شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است. بنابراین قابلیت تعمیم نتایج به شرکت‌های غیربورسی، شرکت‌های فعال در فرابورس یا سایر بازارهای مالی داخل ایران با محدودیت مواجه است. علاوه بر این، ویژگی‌های خاص بازار سرمایه ایران از جمله ساختار مالکیت متمرکز، نفوذ بالای سهامداران نهادی و دولتی، سطح متفاوت شفافیت اطلاعاتی، و چارچوب نظارتی و فرهنگی حاکم می‌تواند نحوه بروز و انعکاس ویژگی‌های رفتاری مدیرعامل در فرآیند برآوردهای حسابداری را تحت تأثیر قرار دهد. تعمیم نتایج به بازارهای توسعه‌یافته یا سایر اقتصادهای نوظهور را با احتیاط همراه سازد.

سوم، علی‌رغم به کارگیری مجموعه‌ای از متغیرهای کنترلی در مدل‌های رگرسیون، امکان وجود عوامل نهادی، اقتصادی کلان، فرهنگی یا درون‌سازمانی تأثیرگذار بر

برآوردهای حسابداری وجود دارد که در مدل لحاظ نشده‌اند. این عوامل پنهان ممکن است بخشی از روابط مشاهده شده را توضیح دهند و تفسیر علیت کامل یافته‌ها را محدود کنند. پژوهش‌های آینده می‌توانند با استفاده از شاخص‌های مستقیم‌تر رفتاری (مانند داده‌های پیمایشی یا تحلیل محتوای بیانیه‌های مدیریتی) و گسترش نمونه به سایر بازارها، این محدودیت‌ها را کاهش دهند.

در نهایت، به منظور دستیابی به نتایج جامع‌تر، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی با توسعه مدل پژوهش و به کارگیری دیگر سنجش ویژگی‌های رفتاری، سایر ابعاد تعصبات شناختی مدیرعامل نظیر خودشیفتگی، سوگیری تأیید و ناکارآمدی شناختی را در تبیین برآوردهای حسابداری بررسی کرده و قدرت تبیینی این متغیرها را با یکدیگر مقایسه کنند.

فهرست منابع

- امیری، اسماعیل، ابراهیمی، جمیل. (۱۴۰۳)، تحلیل اثرات ویژگی‌های روان شناختی مدیرعامل بر عملکرد پایداری، پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی، شماره ۱۳(۲)، صص ۳۹۱-۳۵۱.
- امیری، اسماعیل؛ خدای‌پور، احمد؛ کامیابی، یحیی. (۱۳۹۷)، اثر رفتارهای کوتاه‌بینانه و خوش‌بینانه مدیریت بر شفافیت اطلاعات مالی، نشریه پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی، شماره ۷(۲)، صص ۱۴۱-۱۷۷.
- حسینی، سید علی و خوئینی، مهین. (۱۳۹۹)، مبنای نظری خوش‌بینی مدیر عامل و اندازه‌گیری آن، نشریه مطالعات حسابداری و حسابرسی، شماره ۹(۳۳)، صص ۵-۲۴.
- حسینی، سیدمجتبی؛ مطیع، پروانه؛ کارگر، حامد. (۱۴۰۳)، بررسی تأثیر کوتاه‌بینی و بیش‌اعتمادی مدیران بر سرعت دستیابی به سرمایه در گردش بهینه، فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، شماره ۱۸، صص ۴۶۵-۵۰۳.
- داداشی، ایمان؛ حیدری رستمی، کرامت‌الله؛ زرقانی، مهدی. (۱۴۰۴)، بررسی نقش کوتاه‌بینی مدیران بر شدت تجدید ارائه صورت‌های مالی با نقش تعدیل‌کنندگی انگیزه‌های مالی مدیران، مجله مالی و پایداری شرکتی، شماره ۱(۱)، صص ۱۲۸-۱۰۰.
- رشیدی، محسن؛ صومی، مایده؛ کزازی، میلاد. (۱۴۰۲)، بررسی تأثیر تخصص حسابرس نسبت به برآوردهای حسابداری بر شدت برآورد حسابداری و انحرافات مدیریتی، دانش حسابداری مالی، شماره ۴(۴)، صص ۱۷۷-۱۴۹.
- رضازاده، حامد؛ پاک‌مرام، عسگر؛ بحری ثالث، جمال؛ عبدی، رسول. (۱۳۹۹)، تأثیر خوش‌بینی و بدبینی مدیران بر مدیریت سود، دانش حسابداری مالی، شماره ۷(۱)، صص ۱۵۷-۱۸۰.
- شفاعت، احمدرضا؛ کاشانی‌پور، محمد؛ غلامی جمکرانی، رضا؛ جهانگیرنیا، حسین. (۱۴۰۰)، تأثیر متغیر تیپ شخصیتی مدیران بر مدیریت سود و نقش تعدیلی آن در رابطه بین مدیریت سود با افشای مسئولیت‌های اجتماعی شرکت، فصلنامه فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، شماره ۶(۱۲)، صص ۳۴۳-۳۰۸.

طالع زاری، سمیه و عبدلی، محمدرضا. (۱۳۹۶)، بررسی رابطه بین کوتاه‌بینی مدیریت با کیفیت سود و میزان سرمایه‌گذاری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، نشریه حسابداری مدیریت، ۱۰ شماره (۳۴)، صص ۵۷-۶۸.

فدایی‌نژاد، محمداسماعیل و دلشاد، افسانه. (۱۳۹۷)، بررسی تأثیر کوتاه‌بینی مدیر عامل بر بازده آتی سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه چشم‌انداز مدیریت مالی، شماره ۸(۲۱)، صص ۵۱-۶۹.

فروغی، داریوش و ساکیانی، امین. (۱۳۹۵)، تأثیر دوگانگی وظیفه مدیرعامل بر ریسک سقوط آتی قیمت سهام، فصلنامه دانش حسابداری مالی، شماره ۳(۲)، صص ۳۱-۵۲.

فلاح حمیدی، حامی؛ فغانی ماکرانی، خسرو؛ ذبیحی، علی. (۱۴۰۰)، قدرت و بیش اطمینانی مدیر عامل و گزارشگری متقلبان، فصلنامه اقتصاد مالی، شماره ۱۵(۵۴)، صص ۳۷۹-۴۰۰.

کامیابی، یحیی؛ خدای‌پور، احمد؛ امیری، اسماعیل. (۱۳۹۷)، تأثیر سازوکارهای نظام راهبری شرکتی بر هزینه معاملات سهام، فصلنامه حسابداری مالی، شماره ۱۰(۳۷)، صص ۱۲۰-۱۵۰.

مهرفر، ابوطالب؛ کاظمی، حسین؛ رضایی، فرزین. (۱۴۰۲)، خوش‌بینی طبیعی و انگیزشی مدیر عامل و تأثیر آن بر کیفیت گزارش شگری مالی، فصلنامه دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، شماره ۱۲(۴۸)، صص ۱۶۱-۱۷۶.

میرزادزارع، مهدی؛ مشککی میاوقی، مهدی؛ میربرگ کار، سیدمظفر. (۱۴۰۳)، بررسی اثر تورش‌های رفتاری بیش اطمینانی، کوتاه‌نگری و خوش‌بینی بر اجتناب مالیاتی، پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی، ۱۳ شماره (۱)، صص ۲۶۵-۲۹۲.

نصیرزاده، فرزانه؛ عباس زاده، محمدرضا؛ ذوالفقارآرانی، محمد حسین. (۱۳۹۶)، بررسی تأثیر خوش‌بینی‌مدیر عاملو عدم تقارن اطلاعاتی ناشی از آن بر روی ریسک سقوط قیمت سهام، فصلنامه حسابداری مالی، ۹ شماره (۳۴)، صص ۳۵-۷۰.

نعمتی، مهرداد و رحمانی نوروزآباد، سامان. (۱۴۰۲)، نقش تعصبات روانشناختی بر رضایت مالی سرمایه‌گذاران: شواهدی از سرمایه‌گذاران در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه اقتصاد مالی، شماره ۱۷(۲(پیاپی ۶۳))، صص ۱-۲۴.

نیک کار، جواد؛ حمیدی، الهام؛ عابدینی، سپیده. (۱۴۰۱)، تأثیر رفتار خوش‌بینانه و کوتاه‌بینانه مدیران بر عدم تقارن رفتار هزینه و استراتژی‌های متفاوت شرکت، مدیریت دارایی و تامین مالی، شماره ۱۰(۱)، صص ۹۳-۱۱۶.

- Aabo, T., Ch. Pantzalis, J. Park, L. Trigeorgis, and J. Wulff. 2024. CEO personality traits, strategic flexibility, and firm dynamics. *Journal of Corporate Finance* 84: 1–24.
- Acciarini, C., F. Brunetta, and P. Boccardelli. 2021. Cognitive biases and decision-making strategies in times of change: A systematic literature review. *Management Decision* 59(3): 638–652.
- Agarwal, R. and M. Gort. 2002. Firm and product life cycles and firm survival. *American Economic Review* 92(2): 184–190.
- Aghamolla, C. and T. Hashimoto. 2022. Managerial myopia, earnings guidance, and investment. *Contemporary Accounting Research* 40(1): 166–195.
- Ahmed, A. S. and S. Duellman. 2013. Managerial overconfidence and accounting conservatism. *Journal of Accounting Research* 51(1): 1–30.
- Alshorman, S. and M. Shanahan. 2021. Look on the bright side: CEO optimism and firms' market valuation. *Pacific Accounting Review* 33(3): 274–300.
- Anderson, W. and C. Hsiao. 1982. Formulation and estimation of dynamic models using panel data. *Journal of Econometrics* 18(1): 47–82.
- Antia, M., C. Pantzalis, and J. C. Park. 2021. Does CEO myopia impede growth opportunities? *Review of Quantitative Finance and Accounting* 56(4): 1503–1535.
- Arya, A. and R. Ramanan. 2023. Long term firm gains from short term managerial focus: Myopia and voluntary disclosures. *SSRN Electronic Journal*.
- Bamberger, P. A. and A. Fiegenbaum. 1996. The role of CEO perceptions in organizational adaptation: An empirical investigation of CEO interpretations of competitive environmental change. *Organization Science* 7(2): 164–182.
- Baker, M. and J. Wurgler. 2007. Investor sentiment in the stock market. *Journal of Economic Perspectives* 21(2): 129–151.
- Baron, R. A. 2004. The cognitive perspective: A valuable tool for answering entrepreneurship's basic "why" questions. *Academy of Management Perspectives* 18(4): 4–12.

- Barberis, N. and R. Thaler. 2003. A survey of behavioral finance. *Handbook of the Economics of Finance* 1: 1053–1128.
- Ben-David, I., J. R. Graham, and C. R. Harvey. 2013. CEO overconfidence and corporate policies. *The Review of Financial Studies* 26(6): 1521–1555.
- Ben Mohamed, E., B. Amel, F. Richard, and B. Abdelfettah. 2012. Does corporate governance affect CEO optimism? Evidence from NYSE panel data firms. *International Journal of Euro-Mediterranean Studies* 5: 1–56.
- Bebchuk, L., A. Cohen, and A. Ferrell. 2009. What matters in corporate governance? *Review of Financial Studies* 22: 783–827.
- Bracha, A. and D. Brown. 2012. Affective decision-making: A theory of optimism-bias. *Games and Economic Behavior* 75(1): 67–80.
- Berthet, V. 2022. The impact of cognitive biases on professionals' decision-making: A review of four occupational areas. *Frontiers in Psychology* 12: 1–13.
- Asante-Appiah, J. B., J. B. Kim, and K. J. Koo. 2024. CEO outside board service and CEO short-termism. *Accounting Horizons*: 1–24.
- Buehler, R., D. Griffin, and M. Ross. 2002. Inside the planning fallacy: The causes and consequences of optimistic time predictions. In T. Gilovich, D. Griffin, and D. Kahneman (Eds.), *Heuristics and Biases: The Psychology of Intuitive Judgment*. Cambridge University Press: 250–270.
- Burkhard, B., C. Sirén, M. van Essen, D. Grichnik, and D. A. Shepherd. 2023. Nothing ventured, nothing gained: A meta-analysis of CEO overconfidence, strategic risk taking, and performance. *Journal of Management* 49(8): 2629–2666.
- Chen, H. and C. Lee. 2008. Investor sentiment and stock returns: A review of the literature. *Journal of Behavioral Finance* 9(3): 118–124.
- Chen, Y., J. Ye, and Q. Shi. 2024. Does CEO myopia promote enterprises over-financialization? Evidence from listed firms in China. *Journal of Financial Economics* 19(9): 1–18.
- Cheng, Q. and T. D. Warfield. 2005. Equity incentives and earnings management. *The Accounting Review* 80(2): 441–476.

- Choi, J. J., J. Park, and T. Kang. 2009. CEO overconfidence and corporate investment: Evidence from Korea. *International Review of Economics and Finance* 18(4): 385–396.
- Cohen, D. A. and A. Dey. 2005. The effects of CEO incentives on accounting decisions. *The Accounting Review* 80(4): 1153–1180.
- Core, J. E., R. W. Holthausen, and D. F. Larcker. 1999. Corporate governance, chief executive officer compensation, and firm performance. *Journal of Financial Economics* 51(3): 371–406.
- Deshmukh, S. and A. Goel. 2025. When do optimistic CEOs enhance firm value? *European Financial Management* 31(4): 1271–1296.
- Eling, M. and K. Jung. 2024. Optimism bias and its impact on cyber risk management decisions. *Risk Sciences* 1: 1–19.
- Fenton-O’Creevy, M., N. Nicholson, E. Soane, and P. Willman. 2011. Thinking, feeling, and deciding: The influence of emotions on CEO decision-making. *Journal of Management Studies* 48(6): 1089–1115.
- Finkelstein, S. and D. C. Hambrick. 1996. *Strategic Leadership: Top Executives and Their Effects on Organizations*. West Publishing.
- Finkelstein, S., D. C. Hambrick, and A. A. Cannella. 2009. *Strategic Leadership: Theory and Research on Executives, Top Management Teams, and Boards*. Oxford University Press.
- Gao, Y., J. Chen, and Q. Liu. 2023. The impact of CEO optimism on financial reporting quality: Evidence from the U.S. market. *The Accounting Review* 98(4): 567–590.
- Graham, J. R., C. R. Harvey, and M. Puri. 2005. Capital budgeting and capital structure decisions: Survey evidence from the CFOs of the U.S. Fortune 1000. *The Journal of Finance* 60(6): 2121–2143.
- Graham, J. R., C. R. Harvey, and M. Puri. 2005. Capital allocation and CEO attitudes. *Journal of Financial Economics* 81(1): 133–154.
- Graham, J. R., C. R. Harvey, and S. Rajgopal. 2005. The economic implications of corporate financial reporting. *Journal of Accounting and Economics* 40(1–3): 3–73.

- Gervais, S. and T. Odean. 2001. Learning to be overconfident. *Review of Financial Studies* 14(1): 1–27.
- Gervais, S., J. B. Heaton, and T. Odean. 2001. Overconfidence, investment policy, and executive stock options. *The Review of Financial Studies* 14(1): 1–27.
- Guizani, M. 2024. Does CEO myopia exacerbate firms' excessive financialization? Evidence from Malaysia. *Management Research Review* 47(10): 1606–1625.
- Hayward, M. L. A., V. P. Rindova, and T. G. Pollock. 2006. Believing one's own press: The causes and consequences of CEO overconfidence. *Strategic Management Journal* 27(7): 607–627.
- Hambrick, D. C. and P. A. Mason. 1984. Upper echelons: The organization as a reflection of its top managers. *Academy of Management Review* 9(2): 193–206.
- Hayward, M. L. A., D. A. Shepherd, and D. Griffin. 2006. A hubris theory of entrepreneurship. *Management Science* 52(2): 160–172.
- Heizer, T. and L. R. Rettig. 2020. Top management team optimism and its influence on firms' financing and investment decisions. *Journal of Financial Economics* 135(2): 345–367.
- Hribar, P. and H. Yang. 2016. CEO overconfidence and management forecasting. *Contemporary Accounting Research* 33(1): 204–227.
- Huang, W., F. Jiang, Z. Liu, and M. Zhang. 2011. Agency cost, top executives' overconfidence, and investment-cash flow sensitivity: Evidence from listed companies in China. *Pacific-Basin Finance Journal* 19: 261–277.
- Ikeda, N., K. Inoue, and S. Sugitani. 2021. Managerial optimism and corporate investment behavior. *Journal of Behavioral and Experimental Finance* 30: 1–10.
- Jensen, M. C. 1993. The modern industrial revolution, exit and the failure of internal control systems. *Journal of Finance* 48(3): 831–880.
- Jensen, M. C. and W. H. Meckling. 1976. Theory of the firm: CEO behavior, agency costs and ownership structure. *Journal of Financial Economics* 3(4): 305–360.

- Kahneman, D. and A. Tversky. 1979. Prospect theory: An analysis of decision under risk. *Econometrica* 47(2): 263–291.
- Kraft, A. G., R. Vashishtha, and M. Venkatachalam. 2018. Frequent financial reporting and CEO myopia. *The Accounting Review* 93(2): 249–275.
- Larcker, D. F., S. A. Richardson, and İ. Tuna. 2007. Corporate governance, accounting outcomes, and organizational performance. *The Accounting Review* 82(4): 963–1008.
- Lev, B., S. Li, and T. Sougiannis. 2010. The usefulness of accounting estimates for predicting cash flows and earnings. *Review of Accounting Studies* 15(4): 779–807.
- Levesque, M., P. Phan, S. Raymar, and M. Waisman. 2014. Are CEOs myopic? A dynamic model of the ongoing debate. In *Corporate Governance in the US and Global Settings, Advances in Financial Economics* 17: 125–151.
- Libby, R. and K. Rennekamp. 2012. Self-serving attribution bias, overconfidence, and the issuance of management forecasts. *Journal of Accounting Research* 50(1): 197–231.
- Li, M., S. Markov, and S. Shu. 2023. Motivational optimism and short-term investment efficiency. *The Accounting Review* 98(5): 429–454.
- Liu, Y., L. Zhang, and J. Wang. 2023. CEO optimism and its effects on accounting estimates: Evidence from Chinese firms. *Journal of Business Research* 145: 123–134.
- Lundstrum, L. L. 2022. Corporate investment myopia: Evidence from the investment-cash flow sensitivity. *Journal of Financial Research* 25(3): 357–376.
- Lovaglio, D. and D. Kahneman. 2003. Delusions of success: How optimism undermines executives' decisions. *Harvard Business Review* 81(7): 56–63.
- Malmendier, U. and G. Tate. 2005. CEO overconfidence and corporate investment. *Journal of Finance* 60(6): 2661–2700.

- Malmendier, U. and G. Tate. 2008. Who makes acquisitions? CEO overconfidence and the market's reaction. *Journal of Financial Economics* 89(1): 20–43.
- Moser, D., P. Steiglechner, and A. Schlüter. 2022. Facing global environmental change: The role of culturally embedded cognitive biases. *Environmental Development* 44: 1–13.
- March, J. G. and Z. Shapira. 1987. CEO perspectives on risk and risk taking. *Management Science* 33(11): 1404–1418.
- Marinovic, I. and F. Varas. 2019. CEO horizon, optimal pay duration, and the escalation of short-termism. *The Journal of Finance* 74(4): 2011–2053.
- Mohanty, S., B. C. Patnaik, I. Satpathy, and S. Sahoo. 2023. Cognitive biases and financial decisions of potential investors during Covid-19: An exploration. *Arab Gulf Journal of Scientific Research* 42(3): 836–851.
- Moorman, C. and R. J. Slotegraaf. 1999. The contingency value of complementary capabilities in product development. *Journal of Marketing Research* 36(2): 240–257.
- Purushothaman, M. B. and A. B. Aguas. 2025. Cognitive biases that shape the drivers and barriers to embracing green construction practices. *Smart and Sustainable Built Environment*: 1–40.
- Puri, M. and D. T. Robinson. 2007. Optimism and economic choice. *Journal of Financial Economics* 86(1): 71–99.
- Rau, D. and P. Bromiley. 2025. A review of cognitive biases in strategic decision making. *Long Range Planning* 58(3): 102529.
- Schrand, C. M. and S. L. C. Zechman. 2012. Executive overconfidence and the slippage of financial misreporting. *Journal of Financial Economics* 105(2): 327–348.
- Simon, H. A. 1993. Strategy and organization: Rational and behavioral approaches. *Strategic Management Journal* 14(2): 163–169.
- Sun, R. and L. Zhao. 2024. CEO optimism and corporate liquidity management: Implications for accounting estimates. *Journal of Corporate Finance* 75: 102–115.

- Thaler, R. H., A. Tversky, D. Kahneman, and A. Schwartz. 1997. The effect of myopia and loss aversion on risk taking: An experimental test. *Quarterly Journal of Economics* 112(2): 647–661.
- Wang, Z. and Y. Chen. 2024. CEO optimism and investment decisions: The role of risk perception. *Journal of Financial Economics* 142(1): 78–92.
- Wang, X. 2024. Does CEO temporal myopia always lead to firm short-termism? The critical role of CEO optimism and perceived opportunity costs. *Journal of Business Research* 180: 114739.
- Zeng, H., L. Zheng, and X. Li. 2023. Are optimistic CEOs and pessimistic CFOs the best partners? Evidence from corporate cash holdings. *Humanities and Social Sciences Communications* 10: 1–19.
- Zhang, H. and X. Li. 2022. The relationship between CEO optimism and aggressive accounting practices. *Accounting Horizons* 36(3): 45–62.
- Zhang, T., X. Ren, and C. Songsheng. 2025. The impact of managerial myopia on corporate resilience: From the perspectives of resistance and recovery. *Finance Research Letters* 74.
- Zhu, Z., J. Chang, and Y. Y. Wang. 2025. Managerial myopia and capital structure in China. *Review of Quantitative Finance and Accounting*: 1–24.

